

نابود باد جنگ: مرگ بر
خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۴ - سال دوم
شماره ۲۵ - تیر ۶۶

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
بیروبرنامه (هویت)

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

شورای ملی مقاومت

در آغاز ششمین سال

۵ سال از حیات پر افتخار شورای ملی مقاومت می‌گذرد. در آغاز ششمین سال حیات این شورا خاطره همه شهدای قهرمان مقاومت انقلابی مردم ایران، در راه صلح و آزادی را گرامی می‌داریم. بسادگی اسرای قهرمان جنبش مقاومت را که زیر شدیدترین شکنجه‌ها و فشار به مقاومت خود ادامه می‌دهند گرامی می‌داریم. به همه خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی ایران درود می‌فرستیم. برای نیروهای رزمنده انقلابی که با رژیم ددمنش خمینی بی‌گناهی می‌کنند، پیروزی آرزو می‌کنیم.

شورای ملی مقاومت، تنها ائتلاف سیاسی پایدار در تاریخ جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی مبین ما می‌باشد. این شورا طی حیات کوتاه خود راه پر فراز و نشیبی را طی کرده و بر سوانح مشکلات بسیار فائق آمده است. شورای ملی مقاومت بمثابة کانون رهبری جنبش انقلابی و مقاومت علیه رژیم اولین تجربه یک ائتلاف سیاسی در تاریخ مبارزات سیاسی مردم ایران است؛ اما با اعتقاد بر استقلال دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی، توانسته است جای شایسته خود را در صحنه سیاسی ایران پیدا کند. اینکه رژیم خمینی، و مزدوران سلطنت طلب و نیروهای وابسته بدانها همواره این شورا را مورد شدیدترین حملات قرار می‌دهند، بیان‌کننده این حقیقت روشن است، که شورا در مرحله کنونی اولا جدی‌ترین مبارزه با رژیم ارتجاعی خمینی را پیش می‌برد و در ثانی در این مرحله از رشد جنبش قاسم استقلال و دموکراسی در جامعه ماست. بدون شک

بقیه در صفحه ۲

بیاد

زهبر کبیر و فرمانده شهید ما



۱۸ تیر ماه آرزو روز قهرمانی و جسارت رفقایی فدایی است. در سال ۱۳۵۵ در چنین روزی رفیق حمید اشرف به همراه ۹ فدایی دیگر در یک محل مسلحانه با مزدوران رژیم شاه و ساواک‌بهای مزدور معاشرت را رسیدند. بیگانه قهرمانانه‌ای که منطقه سرآستانه جنوب تهران اتفاق افتاد از سپیده‌دم صبح ساعت ۴ ساعت ادامه یافت. و این مبارزه قهرمانانه سرعت در تمام شهر تهران انعکاس پیدا کرد. روزنامه‌های آنروز تهران هر کدام چندین بار زیر چاپ رفت. تنها کیهان ۴ بار چاپ شد. خبر شهادت حمید و پارانش موجی از تأثر و اندوه در سراسر ایران ایجاد کرد. حمید برای مردم ایران یک افسانه شده بود. او بارها تور پلیس را با جسارت باره کرده بود و از محاصره

بقیه در صفحه ۲

نامه‌ای از ایران

رفیق (ها) از ایران ضمن بک مقاله یویا و خلق و شما بسیار سلیس به تشریح و تحلیل حاکمیت ارتجاع می‌پردازد. این مقاله بخشی از نامه‌ها و گزارشات این رفیق است که نبرد خلق را بطور مرتب از اوضاع جامعه آگاه می‌سازد.

..... بسیار کم دیده شدند رفقایی که نوشته‌های آنها را بخوانند و گفته‌های ایشان را با دقت گوش دهند و نظرات آنها را (آنچنانکه خود بیان میکنند) مورد توجه قرار داده و اعمالشان را با گفته‌هایشان بسنجند که اگر "دولت نیروبی است که از درون جامعه بر می‌آید و خود را مافوق آن قرار می‌دهد" خواستگاه این دولت در میان جامعه کجاست و در این مورد برخورد باید مطلقا مشخص باشد. قرار دادن مجرد بجای مشخص در دورانی انقلابی اشتباهی زیانبار است. از اولین مسائلی که در برخورد با حاکمیت فعلی جلب نظر میکند، اهمیت بسیار دادن حاکمیت به مسائل رونیایی است (که برزم خود آنان زیر بناست). ایشان تمام هم و غم خود را بر سر رواج فرهنگ و اعتقاداتی که آنرا اسلام واقعی مینامند، نهاده‌اند و تنها در مواردی که ناچار شوند از این امر عدول میکنند و در اختصاص دادن نیرو به این امر اگر رجحانی برای دیگری قائل باشند، آن سیاه است و لایغر. به این کتابهای درسی و برنامه‌های مدارس

بقیه در صفحه ۲

باتاسف بسیار

پس از غنچه آتش بسی که عملا بین حزب دمکرات و کومله وجود داشت، در تاریخ ۵ تیر ماه امسال منافقان باز هم درگیری شدیدی بین حزب دمکرات و کومله در منطقه بانه بوجود آمد. که به گزارش کومله دو تن از اعضا خود و ۱۲ تن از اعضاء حزب دمکرات کردستان در این درگیری جان خود را از دست دادند. به گزارش سولتن خبری حزب دمکرات کردستان ایران در اروپا (شماره ۱۵۵) در این درگیری ۱۰ نفر از پیشمرگان حزب که زخمی شده بودند توسط کومله اعدام شدند. آتش بسی که حملات بین حزب دمکرات کردستان ایران و کومله بوجود آمده بود، گر چه در رسمیت نبوده بود ولی موجب خوشحالی نیروهای انقلابی شد که با جنگ اخیر باز هم نباید با تاسف سوال کرد آیا این درگیریها بسود رژیم خمینی نیست و چرا نباید ادامه یابد؟

مردم ایران صلح می‌خواهند

رژیم جنگ امروز خمینی باز هم بر تنور جنگ می‌دمد و هزاران تن از مردم مبین ما را قربانی سیاستهای جنگ‌افروزان خود می‌کند. در حالیکه مردم ایران خواهان صلح بوده و تنفر خود را از جنگ به اشکال مختلف نشان می‌دهند، رژیم دست به ماجراجویی دیگری در جنبه نیائی (جنبه مهران) زد که منجر به تلفات زیادی برای رژیم شد. عملیات ماجراجویانه موسوم به کربلای ۱، تا کنون هزاران کشته و زخمی از جانب رژیم خمینی بر جای گذاشته است و این در حالی است که نسله آلمانی اشترن برده از آخوین سفارله تسلیماتی جمهوری اسلامی و اسرائیل بر می‌دارد. رفسنجانی خاشن طی یک سخنرانی برای

بقیه در صفحه ۲

دیدار مسئول شور و عرفات

در تاریخ ۱۱ تیرماه امسال، آقای سعید رجسوی مسئول شورای ملی مقاومت با یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین دیدار نمود. در این دیدار طرفین پیرامون اوضاع خاورمیانه، جنگ ایران و عراق و اوضاع مقاومت ایران و مقاومت فلسطین تبادل نظر نمودند. آنها مشترکا با فشاری رژیم خمینی بر ادامه جنگ با عراق را که به زبان خلق‌های در کشور است، محکوم کردند. آنها همچنین سرکوب اعمال شده توسط رژیم خمینی در ایران و نوطه‌هایی که در لبنان علیه سازمان آزادیبخش فلسطین جریان دارد را مورد بحث قرار دادند.

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

شورای ملی مقاومت...

بقیه از صفحه ۱

نیروهایی که با تمام هستی خود علیه ارتجاع و امپریالیسم مبارزه می‌کنند، نیروهایی که سه رادیکالترین شکل برای بر انداختن بنیاد ستم رژیم خمینی مبارزه می‌کنند، نیروهایی که با عشق مردم زندگی می‌کنند، می‌جنگند، زندانی می‌شوند و سه شهادت می‌رسند، می‌توانند در جهت ارتقاء مبارزه توده‌های محروم جامعه ما گامهای پر ارزشی به پیش بر دارند. این البته برای شورای ملی مقاومت جای بسی افتخار است که در شرایط کنونی پیگیرترین نیروهایی که علیه رژیم خمینی مبارزه می‌کنند و برای بر انداختن این رژیم ارتجاعي می‌جنگند، در درون این شورا قرار دارند تا جایی که بحق می‌توان گفت شورای ملی مقاومت رهبری جنبش انقلابی و مقاومت علیه رژیم خمینی را بعهده گرفته و در مقابل گرایش‌های انحرافی فاطمانه استنادگی می‌نماید. سال گذشته شورای ملی مقاومت طی بیانیه‌ای که به امضاء همه اعضای آن رسید اعلام نمود:

" ما معتقدیم که امر سرنگونی این رژیم از طریق قیام مسلحانه عمومی و سراسری تحقق پذیر است، و اساساً رهایی مردم ایران جز بدست خود آنها محقق و میسر نخواهد شد. از اینرو از تمام مردم ایران می‌خواهیم در کارخانه‌ها و مزرعه‌ها و دانشگاه‌ها در موسسات لشگری و و کشوری، در محله‌ها و بازارها، و... به ایجاد هسته‌های مقاومت مردمی بپردازند و با استفاده از تمامی اشکال مبارزه حول محور مبارزه مسلحانه انقلابی، و در پیوند با نیروهای پیشتاز مقاومت، امر تدارک قیام مسلحانه عمومی را تسریع کنند و در عین حال، از هر امکانی برای گسترش اعتراضات، اعتصابات و تظاهرات مردمی سود جویند. رهنمودهای شورای ملی مقاومت در مورد نحوه پیشبرد امر قیام توسط مسئول این شورا، آقای مسعود رجوی اعلام می‌شود"

(بیانیه شورا ۳۰ تیر ماه ۱۳۶۴)

در همین بیانیه اعضا شورا یکبار دیگر اعلام کردند که پس از سرنگونی رژیم خود را ملزم به رعایت موارد زیر می‌دانند:

- الفبا بدون قید و شرط هر گونه ستم و تبعیض جنسی فرهنگی، مذهبی، نژادی، ملی و قومی بنحوی که برابری کامل کلیه اتباع کشور مستقل از نژاد، جنسیت، مذهب، ملیت و قومیت بطور کامل تامین شود.
- برسبب شناختن آزادی عقیده و بیسازمان، آزادی مطبوعات، آزادی تشکیل و فعالیت احزاب سازماندهی نهایی سیاسی، گانوبها، سندیکاها و اتحادیه‌ها و شوراهای کارگری، دهقانی و سنی، انجمن‌های دمکراتیک، آزادی انتخابات شغل و محل اقامت، آزادی تظاهرات و اعتصاب و آزادی ادیان و مذاهب مسانعت از هر گونه تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی و آزادیهای عمومی.
- اگر همین مواضع مترقیانه و انقلابی شورا را مد نظر قرار دهیم، روشن می‌شود که چرا تمامی نیروهای

بیاد رهبر کبیر و... بقیه از صفحه ۱

انبوه مزدوران رژیم گریخته بود. ولی این بار رژیم نیروی وسیعی برای محاصره خانه‌ایکه حمید برای یک نشست سازمان آتش در آن محل اقامت داشت گسیل کرده بود.

رفیق حمید اشرف تنها رفیقی بود که وقتی زنده بود به او کبیر اطلاق می‌شد. وی از طرف رزمندگان فدایی بعنوان رهبر سازمان شناخته می‌شد. زندگی سیاسی و انقلابی او از سالهای ۳۹ آغاز شد، و قبلاً از سال ۴۶ به عضویت گروه پیشتاز جزئی-ظرفیسی انتخاب شد و در جریان ضربات سال ۴۶ و ۴۷ به گروه پیشتاز جزئی-ظرفیسی، و در جریان احیاء تشکیلات گروه نقش برجسته‌ای بعهده گرفت. در سال ۴۸ و ۴۹ او در جریان سازماندهی شاخه جنگل گروه نقش تعیین کننده‌ای ایفاء کرد و هنگامی که تیم جنگل به رهبری رفیق کبیر علی اکبر صفائی فراهمی در جنگلهای شمال مستقر شد، حمید رابطه کوه و شهر را بعهده گرفت. در جریان ضربات سال ۴۹ وی برای احیاء تشکیلات سازمان تلاش بسیار موثر نمود. در جریان اقدام با گروه پیشتاز رفقا یوبانه احمدزاده، او نقش تعیین کننده‌ای داشت و عضو اولین مرکزیت چریکهای فدایی خلق شد. طی سال ۵۰ بسیاری از عملیات را رهبری کرد و پس از ضربات سال ۵۰ با وجود شوق و آرزوی او رفقا که دستگیر شده بودند، سازمان را باز هم احیاء کرد و به پیش برد.

رفیق حمید اشرف در جریان تطبیق تئوری و پراتیک سازمان با شرایط متحول جامعه شمال کشور و دستاوردهای گرانبهای داشت. وی یک سازماندهی و برنامه ریز بسیار کارآ و یک انقلابی پر شور بود. مثالها رفیق حمید به نقش حساس خود خوبیی واقف نبود. او که فکر می‌کرد سازمان فدایی آنچنان با گرفته که صبح جریانی حیات رو به رشد آنرا تهدید نمی‌کند، به توصیه‌هایی که از درون سازمان و زندان به وی برای خروج موقتش از ایران می‌شد توجه نمود و سرانجام ساواک با یک رشته عملیات

پنچیده به مخفیگاه او پی برد و او را بشهادت رساند. شهادت رفیق حمید برای سازمان و جنبش کمونیستی ضایعه‌ای بسیار بزرگ بود. پس از شهادت رفیق حمید، سازمان بجز دوران بسیار کوتاه قبل از قیام ۲۲ بهمن، نتوانست نقش خود را در جریان تحولات جامعه ایفاء کند. ما که امروز برای احیاء نقش برجسته سازمان پیشتاز فدایی می‌کوشیم، سه خوبی فقدان چنین رفیقی را با تمام گوشت و پوست خود احساس می‌کنیم. سالروز شهادت رفیق حمید را در شرایطی گراسی می‌داریم که رژیم ضد انقلابی خمینی بر کشتار انقلابیون ادامه می‌دهد، جنگ و خانمانسوز را همچنان ادامه می‌دهد، فقر و بی خانمانی در توده‌ها غوغا می‌کند، کارگران ایران بطور روز افزون از کار بی‌گرمی می‌شوند، زحمتکشان ایران زیر بار انواع اخاذی‌ها و نیز گرانی اجناس اولیه کم‌رسان زیر بار زندگی هر روز خیم‌تر می‌شود. خلقهای ایران زیر ستم رژیم قرار گرفته و خلق کرد همواره مورد تجاوز قرار می‌گیرد. در مقابل رزمندگان دلیر مقاومت انقلابی ایستادگاه درخشان مبارزه مسلحانه انقلابی که رفیق حمید اشرف یکی از مدافعان جدی آن بود ادامه می‌دهند.

حوادثی که پس از شهادت رفیق حمید برای جنبش کمونیستی و سازمان پیشتاز فدایی بمثابة ستون فقرات آن پیش آمد درسهای گرانبهای برای کمونیستهای انقلابی ایران بر جای گذاشت. در سال ۶۲ بر اساس جمع بندی این تجربیات برنامه (هویت) فدایی اعلام شد و از آن زمان تا کنون سازمان، علیرغم غم تمامی فشارها، سرفراز و برغرور برافراختنی که رفقای همچون حمید آنرا بنا نهادند، ادامه می‌دهیم. پرچم خونین و بر افتخاری که رفیق حمید و همزمانش آنرا بر افراشتند، امروز بوسیله سازمان پیشتاز فدایی یعنی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران-پیرو برنامه (هویت) حمل می‌شود و راه پر شکوه مبارزه مسلحانه انقلابی برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار صلح و سوسیالیسم دمکراسی و استقلال، که رفقای همچون حمید آنرا بنا نهادند، اکنون بوسیله رزمندگان دلیر سازمان ما ادامه می‌یابد و این عمیق ترین و صادقانه ترین پیوند با رفقای شهید فدایی است.

که آزادی و استقلال ایران منافع آنها را زیر سوال می‌برد، تا این اندازه با شورا شدت می‌ورزند. اما شورای ملی مقاومت ما تکیه بر نیروهای مقاومت مسلحانه و با بافتاری بر اصل استقلال و آزادی، هم چنان راه درخشان انقلاب را خواهد پیمود. اکنون ششمین سال حیات شورای ملی مقاومت را در شرایطی آغاز می‌کنیم که مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی دوران اعتلاء خود را طی می‌کند و ابعاد عملیات انقلابی هر روز گسترده‌تر می‌شود. این مبارزه گسترده مسلماً بر روند سرنگونی رژیم ضد انقلابی خمینی تاثرات عمیقی بر جای خواهد گذاشت و امیدواریم با پیشرفت این مبارزه انقلابی سال آینده جشن تاسیس شورای ملی مقاومت را داخل کشور و در میان مردم ایران برگزار کنیم.

تصحیح و پوزش

رفیقی در مورد یکی از اسامی مندرج در ستون زندان و مقاومت توضیحاتی داده است. تذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که از آنجا که برای ما تحفیسق در مورد موقعیت زندانیان غیر ممکن است، هر گونه مسئولیتی در این مورد بعهده متبمی است که خیر مربوطه را از آن نقل می‌کنیم. مسئولیت ما تنها در مواردیست که خبری را در مورد زندانها مستقیماً خودمان منتشر می‌کنیم. که در این مورد هم در آینده سعی بیشتری در تحقیق مطالب خواهیم نمود.

ضمناً در شماره ۲۲ نبرد خلق صفحه ۹ ستون اول نظیر ۴۹ کلمه قبلی اشتباه و درست آن تصفی است.

رهبری طبقه کارگر
ضامن پیروزی مبارزات ضدهمپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

نامه‌های از ...

بقیه از صفحه ۱

توجه کنید ، به برنامه‌های رامبو و تلویزیون ، به مطالب روزنامه‌ها و مجلات دقت کنید ، به واحدهای اجباری دانشکده‌ها رجوع کنید ، برخورد حاکمیت را به زبان در نظر آورید . در این رابطه حاکمیت غیرمتم تمام فریبکارها و زیگزاک‌زدهای اجباری و انعطاف بسیار ، جدا خط خود را دنبال کرده و میکند . زمانی کسانی که می‌پنداشتند ، بورژوازی لیبرال وجه غالب حاکمیت فعلی است ، موضوع اخراج زنان از کنار را تنها امری در جهت حل بحران بینکاری توجیه می‌کردند و این مطلب را از مقایسه سوری و ساده انگارانه آنچه بورژوازی در بحرانها انجام میدهد ، با آنچه حاکمیت انجام میدهد ، نتیجه می‌گرفتند . اما اگر در بیان این مطلب که چرا زنان را مجبور به جابجایی می‌آورد و چرا آنان را از بسیاری مشاغل و مساعده همچون قضاوت و با ریاست جمهوری رسماً و از بسیاری دیگر عملاً محروم می‌سازند و موارد متعدد از اینگونه مسائل که حاکمیت مرتکب می‌شود ، با بدون اظهار نظر از کنار آن می‌گذشتند و با در بعضی مواقع آنرا تنها به تنگ نظری خرده بورژوازی نسبت می‌دادند و در هر حال نقطه نظر آنان سرپوش گذاشتن و اهمیت ندادن به اینگونه حرکات بود . حرکاتی که اعمال میشد ، علت داشت ، نتایج و عوارضی را هم سبب می‌شود که به هیچ وجه نباید این نتایج را دست کم گرفت ، تنها با اندکی دقت می‌توانیم به عمق اثرات مخرب آنچه که در این زمینه انجام گرفته بی‌برسیم . انرژی عظیمی از جوانان ما صرف آموختن لاطالاتی میشود که فقط زودن رسوب آنها به انرژی بی‌تعمیر احتیاج خواهد داشت . رواج عاداتی که با تمهیدات گوناگون ترویج میشود و نیروی عظیمی لازم است تا مبارزه با این عادات به نتیجه برسد ، ببینید که در جامعه خرافاتی که از قبل زمینه داشتند ، چگونه اشاعه و ترویج می‌شوند ، همه دیده‌ام که والدین ترقیبخواه و شد رژیم (از هر موضعی) پس از بازگشت فرزندان از مدرسه ، چگونه با رعایت جوانب احتیاط می‌کوشند لاقلاً قسمتی از آموزشهای رژیم را از ذهن فرزندان بزدایند . راستی این اشاعه خرافات و موهومات به این نحو و با این شکل و محتوا خواسته چیست؟ آیا بورژوازی لیبرال است که چنین می‌خواهد؟ یا بورژوازی تجاری؟ یا خرده بورژوازی سنتی؟ اکنون به حتمه دیگری از این امر می‌پردازیم . در حکومتیهای سرمایه‌داری معمولاً برای اداره امور سه رکن وجود دارد (مقلنه ، قضائیه و مجریه) اکنون که در باره برخورد حاکمیت به مسائل روحیایی صحبت می‌کنیم ، بد نیست اشاره‌ای به قوانین قضایی رژیم داشته باشیم . در این میان به معروفترین آنها "قصاص" می‌پردازیم . به اندازه کافی در باره شیوه محسوسای ارتجعی این قانون از سوی نیروهای مخالف رژیم آزره موضعی صحبت شده است . در این قانون ولی‌دم صاحب خورو بیماریات صحیحتر ، صاحب شخص ، پدر ، پدر بزرگ ، در یک کلام افراد ذکور طایفه شخص است . این قانون

به حساب نمی‌آیند ، یعنی تشخیص مفایرت یا عدم مفایرت مصوبات مجلس با قوانین شرع فقط بمعینه فقهای شورای نگهبان است . کار به همین جا ختم نمی‌شود چنانچه می‌بینید در تمام ارگانها یک یا چند روحانی بنام نماینده امام حضور دارند و معمولاً نماینده امام است که همه کاره است . لازم است تکرار کنیم که اصل ولایت فقیه نه تنها روی کاغذ نماند ، بلکه از آنچه روی کاغذ هم بود ، فرا تر رفت . می‌بینید که نمایندگان امام در استانها و ائمه جمعه که ظاهراً مقام قانونی ندارند ، قدرشان از استانداران ران هم بیشتر است . قوانین و آیین‌نامه‌ها طوری تنظیم و عملاً اجرا می‌شود که هر کس کاره‌ای است ، باید روحانی یا لاقلاً شیعه متمدد دو آتش‌های باشد . و بر فراز این مجتهدین و روحانیون و قوای مقلنه و قضائیه که این مجتهدین در رأس آنها هستند ، مجلس خبرگان ایستاده است . می‌برسیم این کدام قشر یا طبقه است که تمام مقامات مهم حاکمیت خود را درست در اختیار روحانیون می‌گذارد . آن کدام طبقه است که نمایندگانش در حاکمیت اجباراً باستانی صنف کاملاً مخصوصی (در حقیقت نوع مخصوصی از به اصطلاح روشنفکران) باشد . اگر این دولت ارگانیست طبقه بورژوازی (و حتی فراتر از آن مثلاً قشری از این طبقه ، فرضاً بورژوازی تجاری) باشد ، چه شد که بورژواها (مثلاً تجار) تصمیم گرفتند ، هرگز یکی از آنها نتواند به مقامات رهبری حکومت برسد ، مگر آنکه چند سالی درس فقاقت بخواند و روحانی شود . این سوال را در باره سایر اقشار نیز می‌توان تکرار کرد و پاسخ باید حداقل برای خود پاسخگو قانع کننده باشد . از نکات دیگری که در این رابطه جلب نظر می‌کند ، رواج شیوه دلالی در جامعه تحت حکومت جمهوری اسلامی است . امروز هر کسی دقت کنیم ، به نحوی در رابطه دلالی و بازار سیاه قرار دارد . کارگر با دهقان یا کارمند هر کس به نحوی پیش بزمین کار کشیده شده است . تجار و دلالان سابق که جای خود دارند . امروزه آنانکه سرمایه‌دار در رشته تولیدی نامیده می‌شوند و یا تولیدکنندگان کوچک سمر اصلی کسب درآمدشان (حتی آن قسمت که در آمار رسمی منتشر می‌شود) گسترش این بخش را بوضوح نشان می‌دهد . علاوه تجربه روزمره نیز بخوبی نشان دهنده این امر است . امروزه اگر سرمایه‌داری دست به تاسیس کارگاه تولیدی می‌زند ، ابتدا در پی آنستکه قسمت اعظم سهمیه‌اش را در بازار سیاه بفروشد و بعد بفکر آنست که محصول تولید شده را نیز بدست دلالها برساند و کارگران نیز برای تامین مایحتاج خود مجبورند که از بازار سیاه خرید کنند و خود اگر بتوانند ، برای تامین مخارج چنین خریدی دست به دلالی در سطح پایین می‌زنند (بعضی از اجناس را که از طریق جیره بندی عمومی بدست می‌آورند ، می‌فروشند اگر دستمایه‌ای داشتند به خرید و فروش سایر چیزهای بردارند و ...) چنین است وضع کارمندان به اضافه اینکه دست مایه و امکانات بیشتری هم دارند (وضع سفارهداران هم که روشن است و دیگران

پرتوان باد جنبشی طبقه کارگر پیشتر مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

اخبار کوتاه

مناسبت گرامیداشت روز ۳۰ خرداد، روز شهدا و زندانیان مقاومت انقلابی مردم ایران، تظاهرات و میتینگهای متعددی به دعوت انجمن دانشجویان مسلمان در ۱۷ شهر مهم اروپا، آمریکا، آسیا و استرالیا برگزار شد. تظاهرات و اکیسبونها در ۳۰ خرداد امسال، مورد استقبال وسیع هوطنان خارج از کشور قرار گرفت. در آلمان ۴۰۰۰ نفر، در آمریکا ۲۳۰۰ نفر، در انگلیس ۱۳۰۰ نفر در ایتالیا ۵۰۰ نفر در سوئد ۱۵۰۰ نفر در نروژ ۲۵۰ نفر، در هلند ۳۰۰ نفر، در فرانسه بیش از ۱۰۰۰ نفر از هوطنان مبارز در این تظاهرات و میتینگهای پر شکوه شرکت کردند. همچنین در کانادا، اتریش، اسپانیا، استرالیا، یونان، بلژیک، سوئیس و هند اکیسبونها و مراسم بدین مناسبت برگزار شد که هزاران تن از هوطنان مبارز در آن شرکت کردند. این تظاهرات و اکیسبونها در اغلب روزنامه‌های معتبر و پرتیراژ اروپا، آمریکا، آسیا و استرالیا منعکس گردید. هواداران سازمان ما در آلمان، سوئد، اسپانیا، دانمارک بطور فعال در این تظاهرات شرکت نمودند. هواداران سازمان در آلمان طی بیامی که توسط یکی از رفقا قراشت شد، پشتیبانی خود را از مقاومت انقلابی سلحخانه اعلام نمودند.

روز ۱۹ خرداد امسال، گروهی از مزدوران رژیم بسا خمینی ملاقات نمودند. خمینی طی یک سخنرانی مواضعی در جهت خواسته‌های جناح محافظه کار رژیم اتخاذ نمود. وی گفت " شرکت بدهند مردم را در همه امور، همانطوریکه ما شرکت مردم در این جنگ، شما بحدالله پیروز شدید و پیروز تر هم خواهید شد. ما شرکت اینها شما می‌توانید این کشور را اداره کنید. مردم را در امور شرکت دهید. در تجارت شرکت دهید. در همه امور شرکت دهید. مردم را در فرهنگ شرکت دهید. مداری را که مردم می‌خواهند درست کنند، کار شکنی نکنید. برایشان البته نظارت لازم است، انتقاد هم لازمست، لکن کار شکنی نکنید. بسن خودتان برادر باشید" این موضع خمینی او را بخوسی نشانگر رشد تضادهای بی پایان درون حاکمیت ارتجاع است و در ثانی نشان دهنده درک خمینی از " مردم" است. وقتی خمینی از مشارکت " مردم" در تجارت و فرهنگ صحبت می‌کند، منظور او باز گذاشتن دست تجار غارتگر بازار و صاحبان مدارس خصوصی یعنی در واقع " کاخ نشینان" است و نه " کوخ نشینان"

تبریز

از مدتی پیش در شهر تبریز نیز بازدید ماشینهای شخصی و مسافربری و تفتیش مردم جهت یافتن اسراد مشمول سربازی آغاز شده است. در داخل شهر مساورین از مردم کارت شناسایی خواسته و بغیر از افراد محمل کسانی را که مشمول هستند، دستگیر خواهند کرد.

میان دو آب

پاسداران سرکوبگر میان دو آب که از مدتها پیش به راهزن و جپالوگر مشهور شده‌اند و تا حال جهت غارت اموال سرده‌ها بار از جمله سوزاندن روستا های کرد نشین آن منطقه برای دزدیدن اموال و احشام آنان، شهید نمودن قادر سالمی و احمد بهرام‌پور برای غارت ماشین و پولهای آنان، دست به جنایت زده‌اند. در هفته اخیر برای غارتگری جلو ماشینهای شخصی را گرفته و با تهدید به " با مرگ یا پول" اموال آنها را غارت کرده‌اند. لازم به توضیح است که پاسداران مزبور در ۱۰۰ متری پایگاهشان کسه مقداری با شهر فاصله دارد مرتکب این جنایت شده‌اند.

اخبار کردستان

در ادامه سیاستهای جنگ افروزان رژیم خمینی از مدتی پیش پاسداران سرکوبگر و دیگر ارگانهای ارتجاعی وابسته به رژیم، فشار بیش از حدی برای سربازگیری به مردم کردستان می‌آورند.

از تاریخ ۶۵/۲/۱۳ تا ۶۵/۲/۲۴ مزدوران رژیم شروع به سربازگیری محدود در شهر بوکان نمودند. شبانه به منازل مردم ریخته و کسانی را که مشمول سربازی هستند با زور از منزل خارج کرده و به پایگاههای شهرهای دیگر جهت انتقال به جبهه جنگ خانمانسوز روانه کرده‌اند. در ادامه آن به مراکز تجمع جوانان از جمله استادیوم ورزشی، باشگاههای ورزشی شهر و قهوه‌خانه‌ها رفته و دسته دسته مردم را گرفته و کسانی را که مشمول سربازی هستند نگاه داشته و سپس انتقال خواهند داد. جوانان شهر شبانه از تشویش دستگیر شدن به مناطق متروکه می‌روند.

در تاریخ ۶۵/۲/۱۳ مزدوران رژیم صبح زود به میدان تجمع کارگران (میدانی که کارگران ساده صحبسا آنجا جمع می‌شوند - چهار راه اسکندری) رفته و تعداد زیادی از آنها را از جمله حدود ۴۰ نفر از آوارگان جنگی شهر بانه را که از مدتی پیش به بوکان آمده و جهت اسرار معاش به کارگری مشغول بودند، دستگیر نمودند. همچنین جهت جمع کردن مردم " واحد تبلیغات" بسج ضد خلقی شبها در بعضی نقاط شهر فیلمهای ویدئو به نمایش می‌گذارند تا جوانان (کلا کسانی که سربازی نگرفته‌اند) را دستگیر نمایند. اما جز تعدادی افراد خردسال کسی جمع نمی‌شود. ضمنا رژیم اعلام کرده اگر افراد مشمول سربازی تا ۳ ماه آینده خود را معرفی نمایند به یک سال زندان و ۳۰ ماه " خدمت" سربازی محکوم خواهند شد.

مزدوران رژیم خمینی مدتی است در شهرهای سقز، بوکان، میاباد و غیره خانواده‌های پیشمرگان ارتح فشار قرار داده است و ایشان را برای بازجویی و غیره احضار می‌نمایند و از ایشان می‌خواهند تا فرزندانشان را وادار به تسلیم نمایند. اما این بار نیز با شکست مواجه خواهند شد.

اخبار خارجی:

در اوائل تیر ماه امسال کنگره آمریکا بر پیشنهاد ریگان سینی بر یک کمک ۱۰۰ میلیون دلاری به ضد انقلابیون نیکاراگوئه رای مثبت داد. این پیشنهاد که قبلا در بیستم مارس ۸۶ در کنگره آمریکا با ۲۲۲ رای مخالف در مقابل ۲۱۰ رای موافق رد شده بود، پس از چند ماه چانه زدن سرانجام کنگره آمریکا تسلیم سیاست ماجراجویانه ریگان شده و به خواست وی تن داد. دولت آمریکا با تصریح این کمک، رسما به دخالت خود در امور داخلی کشور انقلابی نیکاراگوئه صحه گذاشت و این در حالی است که دادگاه بیسنه المصلی لاهه با اکثریت آرا، در همین زمان دولت آمریکا را بدلیل حمایت از ضد انقلابیون نیکاراگوئه و مین گذاری سواحل این کشور محکوم نموده است. علاوه بر آن تصمیم دولت ریگان و کنگره آمریکا، موجی از خشم و انزجار در سراسر جهان برانگیخته است. دفتر هماهنگی جنبش قیر متعده‌ها این اقدام دولت ریگان را شدیداً محکوم نمود.

اخبار مقاومت

از تاریخ ۶۵/۲/۲۱ تا ۶۵/۴/۱۰ ۶۵/۲/۲۱ - یک واحد از رزمندگان مجاهد خلق در مقابله با یک تور بازرسی مزدوران رژیم خمینی در بابل با تهاجم سلحخانه بدان حداقل ۶ تن از مزدوران رژیم را به هلاکت رسانند و سپس بسلان از منطقه درگیری دور شدند.

۶۵/۲/۲۱ - یک واحد از رزمندگان مجاهد خلق دو تن از مزدوران سپاه ارتجاع را مورد تهاجم انقلابی قرار داد. در این عملیات سلحخانه محمود سیرزایی معلول یکی از واحدهای سپاه پاسداران ارتجاع در شاهین دژ بهلاکت رسید و مزدور دیگری بنام ایسرج زعفرانی مجروح گردید. رزمندگان مقاومت پس از عملیات سالم به پایگاه خود مراجعت کردند.

۶۵/۳/۷ - یک واحد از رزمندگان مجاهد خلق طی یک عملیات انقلابی مرکز داستانی سپاه پاسداران رژیم خمینی را در تبریز مورد حمله سلحخانه قرار داده و طی این عملیات یکی از مزدوران رژیم را که مشمول حفاظت بود، را بهلاکت رسانند.

۶۵/۳/۲ - یک واحد از رزمندگان مجاهد خلق در نزدیکی روستای سیاوانا (منطقه مریوان) با گروهی از مزدوران رژیم برخورد نموده و به مقابله سلحخانه با آنان می‌پردازند. طی یک نبرد یکساعته ۵ تن از مزدوران رژیم مورد اصابت گلوله قرار گرفته و کشته یا زخمی شدند. پس از آن مزدوران رژیم اقدام به فرار و عقب نشینی نمودند و واحد مقاومت سالم به پایگاه خود مراجعت نمود.

۶۵/۳/۱۴ - طی یک نبرد قهرمانانه که از تاریخ ۱۲ خرداد ماه جاری تا ۱۴ خرداد در مناطق کردستان مرکزی بین چند واحد از رزمندگان مجاهد خلق و مزدوران رژیم جریان داشت حداقل ۱۰٪ تن از مزدوران رژیم بهلاکت رسیدند. در این نبرد حماسی ۲ تن از رزمندگان مجاهد خلق بنا بهای مهدی قاعدی فرمانده بقیه در صفحه ۹

نامه‌های از ۰۰۰

بقیه از صفحه ۳

و دیگران ۰ امروز لشکر عظیم دلالان از بزرگتر خورده با همه جا را پر کرده است ۰ هر گالایی با چند دست رابطه زاید بر شیوه معمول سرمایه‌داری معامله می‌شود و بسیاری هم می‌گویند آنچه را که دلالان از ایشان گرفته‌اند ، به دلالی از دیگران باز ستانند و در راس این هرم دلال بزرگ یعنی دولت ایستاده است و هر از چند گاهی با تنگ کردن محدوده سایر دلالان به حوزه دلالی خود می‌افزاید ۰ رواج چنین شیوه معیشتی طفیلی‌گری و لومپنیزم را توسعه داده و پست‌ترین مظاهر اجتماعی متناسب با آنرا سبب می‌شود ۰ " دولت انگل " اکنون خود دولت انگلی‌ترین انگلها و انگل‌ترین دولتهاست ۰ در ادامه صحبت از مختصات رژیم ، می‌توان از بحران‌زایی آن نام برد ۰ بحران‌زایی به دو معنا ، حاکمیت هم‌زاینده بحران و هم‌زاینده بحران است ۰ طی حکومت چند ساله جمهوری اسلامی دیده‌ایم که حاکمیت بارها خود دست به ایجاد بحران زده ، از بحرانها نیرو گرفته و خود را تقویت کرده است ۰ بحرانهای آفریده شده توسط رژیم از هیاسو و جنجال گرفته (مرضی خمینی ، زدودن مظاهر طاغوت ، عوفی کردن مبرها و نشانه‌ها ، باره کردن منقحات کتاب که اسم شاه یا عکس او را داشت) تا بحران بزرگ همچون جریان سفارت و بحران خاندان‌سوز جنگ متغیر و متحول بوده است ۰ گویی رژیم نمی‌تواند يك لحظه فراغت افکار را تحمل کند ، گویی رژیم نمیتواند روال کار بر سرجای مرسوم را يك لحظه تحمل کند ۰ دانشا احتیاج به چیزی دارد که " همه چیز " را تحت الشعاع قرار دهد و این " همه چیز " یعنی مبارزه طبقات ، نه می‌گذارد حزب نظم‌کار خودش را بگذرد و نه حزب بر هم‌زندگانی نظم قدیم و بوجود آوردنگان نظم نو ، رژیم گویا فقط خواهان بی‌نظمی است ، وسی نظم امکان‌پذیر نیست مگر از طریق توازن تقابلی طبقات متخاصم و این نظم است که تاکنون رژیم در پی آن بوده است ۰ اینکه حاکمیت مسئله را از نظر تئوریک با چه روشی حل کرده ، اهمیت ندارد ۰ مهم اینست که عملاً این کار را می‌کند ۰ در رابطه با توازن تقابلی طبقات متخاصم ، حاکمیت برائستی طرفدار مستضعفین (به معنای لغوی آن) است ۰ توجه به سیاست خارجی رژیم هم لازم است ۰ حاکمیت نریاد نابودی اسرائیل را سر میدهد ، اما فعلاً قصد دارد بیست سال با عراق بجنگد و پیشنهاد می‌کند برای نابودی اسرائیل ابتدا باید عراق را نابود کنیم ، در خالمکه برای فلسطین گریبان جاک می‌دهد ، خود هنگام و به همان اندازه اسرائیل به جنبش فلسطین ضربه می‌زند ۰ در گفتارنهای او بک فریادش گوش فلک را کر کرده ، که این مرتجعین نمی‌گذارند جلوی حیف و میل ثروت‌های امت اسلام را بگیریم و در همان حال به نفت ایران چوب هراج زده و آنرا به قاچاق چپان نفت که به همه جا از جمله افریقای جنوبی و اسرائیل نفت قاچاق می‌کنند ، می‌فروشند ۰ توسعه می‌کند که شمار مرکز بر امریکا باستان‌نبرد (والحق

که از لحاظ دادن شمار چیزی کم ندارد ، اما آنجا که پای مرکز واقعی بیش می‌آید معلوم می‌شود امریکا یعنی چه ۰ رژیم می‌نالد که در محاصره اقتصادی هستیم و در همان حال ستاد تخلیه بنادر درست می‌کند و خط زنجیر کامیونهای ترکیه يك لحظه قطع نمیشود ، در همان حال که برادران مسلمان افغانی را امکانات و سلاح و آموزش می‌دهد و لاف از مبارزه جهانی بسا مستگیرین می‌زند ، در عمل گرمترین روابطش با دولتین ترکیه و پاکستان (بقول خودشان نوکسیران امریکا) است ۰ به شخصه دیگر رژیم بیردازیم که خود حاکمیت آنرا صدور انقلاب می‌نامد و در حقیقت صدور ارتجاعی ضد انقلابی است که الهام‌گرفته‌از خاطرات خلافت عثمانی و نوع مخصوص از بان اسلام می‌زم است ۰ کشورهایی که برای صادرات در نظر گرفته شده ، ابتدا عراق و سپس لبنان و در آینده بحرین و یمن ۰۰۰ می‌باشد ۰ رژیم حتی رویسای جمهوریهای مسلمان نشین شوروی را به مخیله خود خطور داده است ۰ انتخاب عراق بعنوان اولین وارد کننده ، چندان هم بدون محاسبه نبوده است ۰ مجرمه شرایط فعلی و تاریخی و ترکیب اجتماعی و وضع سیاسی عراق امیدهای فراوانی در دل حاکمین بر می‌انگیزد و در این میان باید به وجود چند میلیون شیعه و قویترین تشکیلات روحانیت شیعه در جهان یعنی از ایران ، سابقه تاریخی آن و نیز وجود زیارتگاههایی بزرگ شیعیان در عراق دقت نظر داشت ۰ بروز جنگ بین حاکمیت جمهوری اسلامی و عراق به صدور انقلاب شکل دیگری داده شرح مشخصه‌های دیگر رژیم فعلاً مسکوت گذاشته و توضیح مختصه جنگا قروزی و جنگ طلبی را به نامه‌های جداگانه سوکول می‌کنیم و با اشاره به مضمون این بحث را خاتمه می‌دهیم و آن برخورد به غایت وحشیانه و پلید حاکمیت با خلق و بخصوص نیروهای انقلابی است ۰ جمهوری اسلامی از هیچ جنبشی در حق ما فروگذار ننمیزد ۰ فجایع و جنایات رژیم اسلامی از ابعاد متعارف تمام جلادان تاریخ فراتر رفته است ، چنانکه خمینی باد چنگیز و هیتلر را از خاطرها ردهوده و میر غضباناش گسری سفت را از زنده خواران صفوی ردهوده ، گزیه‌های خمینی از کودک شیرخوار تا پیران سالخورده را به شلاق و رگبار مسلسل و بمب ناپالم می‌زند ۰ در سیاه چالهای حاکمیت عدل اسلامی ساط آنچنان بیدادوی بر یاست که قلم از شرح آن عاجز و شرم دارد ۰ سخن کوتاه کنیم که شما خود می‌دانید بر ما چه گذشت ۰ چنانکه امروز در ایران کمتر کسی است که از خمینی دانسی به دل نداشته باشد ۰ جمهوری اسلامی گم‌سته که تا آخرین نفر ما را از روی زمین بر اندازد ، اما کار جمهوری اسلامی به همین جا ختم نمیشود ۰ جنایات خمینی و خیانتش در حق انقلاب سمت دیگری هم دارد و آن عیارت است از قلب ، تحریف و تجاوز به آنچه در قاموس انقلاب محترم و مقدس است ۰ جمهوری اسلامی چنان معنی کلمات همچون انقلاب را لست کرده که توده‌های شد ارتجاع ، امروزه خود را ضد انقلاب می‌نامند ۰ خمینی چنان سلاسی بر سر مسررم

آورد که از انقلابی بودن خود پشیمان شوند ۰ آنچنان تصویری از مرکز بر امریکا ارائه داد که امیرالایمزم امریکا در اذهان توده‌ها چون جنایتکار کوچکی بر برابر خمینی مطرح می‌شود ۰ خمینی خلف بر حق شاه چنان کرد که روی طغش سفید شد ۰ و این مسئله کوچکی نیست ۰ هر عنصر انقلابی امروزه علاوه بر آنچه در مقابل با دستگاههای رژیم متحمل می‌شود ، بایستی با صرف انرژی بسیار پرده‌ای را که ارتجاع هار روی مفاهیمی همچون انقلاب و ضد انقلاب ، آزادی ، امیر- بالیزم ، خلق و ضد خلق و ۰۰۰ کشیده ، کنار بزنند و مفاهیم واقعی آنها را بر توده‌ها آشکار کنند ۰ از اینجاست که عوامل رژیم شاه ، امروزه با کمال آزادی و با وقاحت تمام طغنه زمان می‌گویند : این بود تسمه انقلاب؟ این است رژیم انقلابی؟ ما بهتر بودیم بسا انقلاب؟ امریکا بهتر بود یا مرکز بر امریکا؟ ۰۰۰۰۰۰ مقایسه کنید ، نیرو و امکانات سرمایه‌داری بزرگ و امیرالایمزم را با محدودیتها و تنگناهای نیروهای انقلابی (از هر نظر) و بنیاد داشته باشید که چگونه اعمال و تسلیفات جمهوری اسلامی همچون حجتی قاطع به کمک ضد انقلاب منلوب می‌آید ۰ و چه به جاست که در اینجا از زحمات خادمین توده‌ای و اکثریتی حاکمیت در کمک به امر خدشه دار کردن چهاره انقلاب "فردانی" کنیم ؟

با مقدماتی که ذکر شد و تاکید مجدد و بیگیری مطلب توسط خواننده به تشریح و تحلیل حاکمیت فعلی می‌پردازیم ۰ حاکمیت فعلی همچنان اتحساد ارتجاع است و طرفین این اتحاد مبارزند از : بخشی از تجار و بورژوازی تجاری ، بخشی از خرده بورژوازی سنتی و سوسیال مرتجعین ، بخشی از بوروکراتها و بخش اعظم روحانیت که ما با استعانت از مفهوم هکلی که توسط مارکس هم بکار رفته است آنرا " روحانیت برای خود " نام نهاده‌ایم ۰ در این اتحاد هیچوقت تمام اتحادهای حاکمیت از بهمن به بعد ، همین بخش آخر دست بالا داشته و دارد ۰

در حاکمیت فعلی اتحاد بر محوری علاوه بر محور قبل (سرکوب انقلاب) نیز صورت گرفت و آن اینست که اکثر متحدین و مقتدرترین آنها در مسئله دیگری اتحاد نظر و عمل دارند : ایشان بهشت خود را گذشته می‌یابند ۰ خرده بورژوازی سنتی در گسترش سرمایه داری وابسته خود شده و تحلیل می‌رود و سوسیال مرتجعین هرسانکه از غوغای تکنیک و ناراضی از بی عدالتیها در حسرت آرامش قدیم و رویای عدالت ! آن سر می‌برد ۰ تجار زیر فشار انحصارات قرار میگیرند و در این میان روحانیت با تغییر شرایطی که وجودش را قرن‌ها احباب می‌کرد ، مواجه با خطر بزرگی در حد نابودی می‌شود ۰ چنین است که این گروه همه بهشت خود را در گذشته می‌یابند و محور دیگر اتحادشان بر این اساس قرار دارد ۰ اگر سرمایه‌داری خواهان جلوگیری از تکامل جامعه و بنا بر ایمن محافظه کار و ارتجاعی است ، این حاکمیت خواهان بازگشت به گذشته و برگرداندن جامعه به فقر است و می‌توان آنرا مادون ارتجاعی و یا ارتجاعی به معنای

بقیه در صفحه ۱۰

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری

گزارشی از روحیات توده‌ها

[مشهد] ۳۷

توسیع به انتشار یکی از رفقای هوادار در خسار و کشور گزارهائی از وضع روحیات توده‌ها توسط ایرانی که به تازگیها از جبهه خسی گرفته‌اند تهیه شده است. این گزارشات توسط خود ایمن هموطنان که وابسته به گزارشات مختلف اجتماعی هستند، تهیه و برای ما فرستاده شده است که سه نفری در شمارهای مختلف مردم خلق، اقدام به انتشار آن ننشیم. لازم به ذکر است که تئیسافر نواری که احتیاج به تصحیح اضافی با اضافی وجود داشته باشد بدون اینکه معذور گزارش تغییر کنند، ما تغییراتی در گزارش مدهیم. این گزارشات بر اساس طرح زیر که توسط رفیق هوادار سازمان تنظیم شده نوشته شده است.

۱. بر موده مردم مست به ال... جنگ، به حکومت چ نیروهای انقلابی
۲. وضعیت اقتصادی شامل انتشارات و طبقات مردم
۳. معیشت حال و مرفه
۴. وضعیت فرهنگی، شامل مطبوعات، رادیو، تلویزیون، نشریات، روزنامه و کتب
۵. چگونگی وضع اجتماعی، شامل نهاد فرهنگی و اداری، اعتیاد، جرم‌های سیاسی
۶. با تشریح از این همبستگیان مبارز، ما از سیاسی هم مبتنی‌نماوز و مفاوم می‌خواهیم که با ارائه گزارش، حیرت از اوضاع ایران و جهان ما مساهماری و ما را در سرنگونی رژیم خمینی مساعدت نمایند.

محور ۳. اقدامات رژیم برای جا انداختن سیاستهای خویش که با معیاران تبلیغاتی همراه است، اکنون کارایی خود را از دست داده و مردم عموماً از کانالهای دیگر مانند رادیوهای خارجی و نقل شفاهی رویدادها اخبار مورد نظر خود را بدست می‌آورند. هیچگونه اعتمادی به دستگاههای تبلیغاتی رژیم در میان مردم وجود ندارد و اخبار آنها را موقت تلقی نمی‌کنند. کار به جایی رسیده که خمینی در سخنرانیهای خویش با آگاهی به روگردانی توده‌ها از تبلیغات حکومتش و تاثیر رادیوهای خارجی سر افکار عمومی، نقش مهمی را برای این رادیو قائل می‌شود و موضعگیریهای خود را هم در رابطه با خبرهای آنان تعیین می‌کند. رادیو جمهوری اسلامی نیز در برنامه‌های صبح جمعه‌ی خود بخشی را به "بررسی رادیوهای بیگانه" اختصاص داده و سعی می‌کند تناقضات و یا اخبار غیر واقعی آنها را افشا کند! مطبوعات هیچگونه تفاوتی از نظر محتوی مطالب و اخبار با هم ندارند و غیر از صفحه بندی هیچ تفاوتی بنایا بین کیهان و اطلاعات وجود ندارد. و همین امر باعث آن شده که تیراژ کمی را داشته باشند، به نحوی که برای بالا بردن تیراژ، برای بدست آوردن بزرگان بندگان و با قبول شدگان فلان آزمون از یکدیگر سبقت می‌جویند تا شاید بدینوسیله چند صباحی دیگر از ورشکستگی خویش جلوگیری نمایند. مجلات نیز به همین گونه هستند و علاوه بر اینها از طرف ارگانهای مختلف هم مجلات و نشریات متعددی چاپ می‌شوند که شاید تعداد خوانندگان آنها از تعداد انگشتان دست تجاوز نکند. سخنرانیهای منتظری در رابطه با عدم انتشار اینگونه نشریات، گواه دیگری

برای این نکته است که آنها هیچ برده ندارند و اگر وضع بدین منوال پیش برود، بدون کمکهای دولت حتی اطلاعات و کیهان و جمهوری اسلامی هم در مسیر تعطیل قرار خواهند گرفت. رادیو و تلویزیون مهمترین ابزار تبلیغاتی رژیم می‌باشد و به همین نسبت در جهت دادن اخبار و رویدادهای مختلف نقش دارند. آراستن چهره‌های کشیف و خونخوار جمهوری اسلامی و سران آن به عهده‌ی این دو ابزار می‌باشد که هر یک با شیوه‌ی خاص خود اما با تعقیب خطی واحد در این جهت گام بر می‌دارند. از نظر ایدئولوژیکی مهمترین تحلیلهای سیاسی و تفسیرهای مذهبی از بخش می‌شود و همین مسئله باعث شده که بطور کلی از برنامه‌های متنوع و سرگرم کننده خالی باشند و در این رابطه هم روز بروز از شمار شوبندگان و بینندگان رادیو و تلویزیون کاسته می‌شود. بر بنده تریسن برنامه‌های تلویزیونی در درجه‌ی اول برنامه‌ی کودکان! و بعد از آن اخبار می‌باشد. بخش مستقیم جلسات علمی مجلسی از رادیو نیز از تعداد شونده زیسادی برخوردار است. چرا که نمایندگان مجلس در نطقهای پیش از دستور بنا بر اختلافات درونی خود تا حدودی راجع به رقبا دست به افشاکاری می‌زنند و همچنین در طی مباحثات مسائلی عنوان می‌شود که در هیئت روزنامه‌ای از آنها اسمی هم برده نمی‌شود و این نکات برای مردم که تشنه‌ی خبرهای هر چه موثق‌تری از رژیم می‌باشند بسیار جالب است. در زمینه کتبی که انتشار می‌یابند می‌توان به اختصار آنها را در چهار چوب کلی سیاست رژیم جای داد. خارج از این مبحث شمار کتابهایی که می‌تواند به نوعی نقش در آگاهی مردم را به عهده گیرند، ناچگو است. بیشتر بین آمار کتب از نظر موضوع وابسته به مسائل انقلاب ارتجاعی - اسلامی که اکثر نویسندگان آنها سران و تئوریسین‌های رژیم می‌باشند، اختصاص دارد. بخش دیگر از انتشارات را کتبی تشکیل می‌دهند که در خدمت تحلیل و توجیه سیاستهای رژیم از قبیل "نه شرقی و نه غربی" و نیز لجن پراکنی علیه مارکسیسم لنینیسم می‌باشند. بنگاههایی که اینگونه کتب را انتشار می‌دهند بظاهر خطی جدا از حاکمیت را تعقیب می‌کنند، اما در واقع چیزی جدا از ایدئولوژی آنها عرضه نمی‌دارند. "نشر نو" یکی از این بنگاه‌ها است که بیشترین فعالیت را در این زمینه دارد، و یکی از عناصر شناخته شده آن رضا براهی می‌باشد. از کتابهای منتشره آن می‌توان از "جوخشهای بسک ایدئولوژی" که به تفسیر تحول سوسیالیسم امپریالیسم در شوروی می‌پردازد، "نگایوی جهانی" و... نام برد. در بعضی از کتابفروشیها حتی آثار تروتسکی هم آزادانه بفروش می‌رسد. تعداد محدودی کتاب نیز وجود دارد که هر چند به نحو مختصر اما به هر حال به سائل عینی می‌پردازد، که از جمله آنها کتابی است بنام "زهران نگار اگوا سخسن می‌گویند" در این کتاب از حقایق راجع به انقلاب نگار اگوا و سیاستهای رژیم آن از زبان رهبران ساندنیست سخن گفته شده. هر چند که در آخر کتاب بنا بر دستور اداری سانور رژیم وزارت

ارشاد اسلامی بخشی را هم به کمکهای ایران! سه نگار اگوا و بنانه‌ی مشترک دو دولت اختصاص داده‌اند که همین بخش مجوز انتشار آن بوده است. برای انتشار بک کتاب باید آنها را به اداری ارشاد اسلامی یا همان اداری نگارش رژیم شاه عرضه داشت تا سانور شده و ملاحتش برای مسئولین محرز شود. در بعضی موارد وزارت ارشاد اجازه انتشار می‌دهد اما به محض آماده شدن کتاب برای فروش، دستور جمع آوری آنها صادر می‌نماید و از اینراه ضررهای زیادی به انتشاراتی‌ها وارد می‌آورد. در سال ۶۰ تا ۶۱ جدا از کتب گروههای سیاسی، فروش نوشته‌های احمد شاملو، فروغ فرخزاد، عزیز نسین و چند نویسنده و مترجم دیگر ممنوع اعلام شد. اما در سال ۶۲ این محدودیت از بین رفت و تعدادی از کتابهای این نویسندگان و کتب روس‌روان و به آذین تجدید چاپ شدند.

محور ۴. چگونگی ناراضی‌های اجتماعی، فقر اقتصادی و فساد مسئولین مملکتی دو عاملی هستند که مهمترین نقش را در بوجود آمدن ناراضی‌های اجتماعی عهده دارند. رژیم جمهوری اسلامی که وارث نظام سرمایه‌داری وابسته می‌باشد، از نظر فرهنگی با این نظام تطابق ندارد، اما آن چیزی که نقش تعیین کننده در شکل گیری فرهنگ جامعه را داراست همانا سیستم اقتصادی است که با زندگی روزمره توده‌ها آمیختگی یافته و از اینروست که رژیم در مقابل بعضی از مظاهر سرمایه‌داری شدت مقاومت و برخورد کرده و از طرف دیگر فرهنگ این نظام به تدریج در جامعه شیوع می‌نماید و حتی مسئولین رژیم را در بر می‌گیرد. رژیم خمینی از آنجا که بر پوسیده ترین بنیادهای فرهنگی و اجتماعی تکیه زده و با ارتجاعی ترین اشکال در صدد حل مسائل خود بر می‌آید، قادر به بوجود آوردن جانشین برای فرهنگ سرمایه‌داری نمی‌باشد و نمی‌تواند خلائی را که با اقدامات سرکوبگرانه بوجود می‌آورد، پر کند. و نتیجه آن می‌شود که هم اکنون در جامعه‌ی ما وجود دارد. رشد فرهنگ غربی و تجلی آن در لباس، آرایش، اعتیاد، فحشاء، رشوه گیری، سرقط، جنایت، موسیقی و... بخشی از کارمندان ادارات از آنجا که با فقر مالی برای اداری زندگی خود روبرو هستند ناچار با رشوه گیری و کار راه اندازی، مختصری از مسائل خود را حل می‌کنند. در وجه دیگر این پدیده می‌توان گفت اصلا در ارگانهای رژیم هیچ کاری بدون پرداخت رشوه انجام نمی‌گیرد و باندهای حزب اللهی در ادارات و ارگانها مزوچین و گیرندگان اصلی رشوه می‌باشند و همین مسئله در مورد اعتیاد هم صدق می‌کند. باندهای بزرگ وارد کننده مواد مخدر وابسته به بعضی از سران رژیم می‌باشند و اغلب امام جمعه‌های شهرستانها و روسای کمیته و سپاه در این امر دخالت مستقیم دارند. بعنوان مثال امام جمعه یکی از شهرستانهای اطراف مشهد، شخصاً رهبر باندهای می‌باشد که افراد آن وابسته به کمیته شهرستان هستند. نتیجه‌ی چنین امری تعداد بیشتر معاندین

بقیه در صفحه

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

مطبوعات خارجی

ضروری است که ایالات متحده آمریکا پروتکلی را امضاء نماید

منبع: باریکاد - انترناسیونال جاپ نیکاراگوئه
تاریخ: ۲۸ نوامبر ۱۹۸۵
در ۳۰ ماهی که از تشکیل گروه "کنستادورا" می‌گذرد، با وجود تشدید سیاست خصمانه آمریکا و پی آمدهای سرکدآور آن، نیکاراگوئه همواره در بحث‌هایی که به لحاظ پیشنهادات "کنستادورا" و در بستر این گروه پیش آمده، شرکت جسته است و تنها کشوری بود که طرح این گروه را که در ۷ سپتامبر ۸۴ ارائه شد بدون هیچ تغییری امضاء نمود. این طرح با وجود اینکه نتیجه ماهها بحث و نشست تمام کشورهای شرکت کننده بود و اگر چه مورد قبول نیکاراگوئه قرار گرفت، اما مردود شناخته شد. میشد گفت که ایالات متحده و دیگر کشورهای آمریکای مرکزی فکرنمیگردند که نیکاراگوئه این طرح را امضاء می‌کند، و از خواست نیکاراگوئه منعی بر امضاء آن غافلگیر گشتند، بهمین جهت دست به یک سری اعمال سطحی بمنظور جوب لای جرح گذاشتن ادامه کار زدند، بهمین دلیل در خواست مسرو ری دوباره بر طرح را کردند که نتیجهی آن طرح ارائه شده در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۵ می‌باشد.

انقلابی بزرگ "مورازان" (۲) امروز بیش از هر زمان دیگری دورتر از واقعیت موجود در آمریکای مرکزی است.

در مورد کستاریکا، این کشور دارای قراردادهای اقتصادی با آمریکا می‌باشد که فعالیت مستقل آنرا محدود می‌کند. شایعه قرضی "تهدید (خطر)" نیکاراگوئه در حال حاضر موجب استفاده برای سود کسانی است که از تشکیل یک ارتش، که البته تشکیل آن شروع شده، و مسلما برای رویارویی علیه نارفاشی داخلی بشکل مقاومت بکار گرفته خواهد شد، حمایت می‌کند.

در حالیکه هندوراس و کستاریکا و السالوادور هر چه بیشتر وابستگیهایشان را به ایالات متحده تعمیق می‌بخشند، نیکاراگوئه خود را رویاروی خواست این کشور (آمریکا) برای از بین بردن حداقل ختنی کردن طرحهای انقلابی ساندینیستی که برای دولت آمریکا یک "مثال بد" می‌باشد، میبیند. از این طریق می‌خود با فشاری نیکاراگوئه را برای مذاکره مستقیم با آمریکا و همچنین امضای مستقیم با آمریکا و همچنین امضای مستقیم پروتکل ضمیمه ای در طرحهای "کنستادورا" بوسیله ایالات متحده را درک نمود. اکنون باید در پشت تغییراتی که در طرح ۱۲ سپتامبر ۸۵ "کنستادورا" بوجود آمده، دولت آمریکا نقش اساسی دارد. اولی تسلط یا توجه به این مسائل طرح مذکور برای نیکاراگوئه غیر قابل قبول می‌باشد. هر چند که نیکاراگوئه، با وجود ادامه سیاست خصمانه (آمریکا)، ۹۷ ماده از ۱۰۰ ماده تشکیل دهنده طرح را قبول کرده است.

هر قرارداد ملحق در منطقه ضرورتاً باید موجب قطع سیاستهای خصمانه خارجی و احترام به حق تعیین سرنوشت نیکاراگوئه شود.

++++

توضیحات:

- (۱) - شهری در خالک هندوراس puerto castilla
 - (۲) - فرانسیسکو مورازان (francisco de morazan)
- انقلابی بزرگ، هندوراس، و بنیانگذار جمهوری فدرال آمریکای مرکزی که بعدها اعدام گشت. هر دو توضیح جاسه‌ای از مترجم است.

سی ام خرداد

سی ام خرداد
روز خون
روزی که خورشید خون گریست
و کیوتران عاشق را در خون خود تمعید کرد
درخیم خون اشام
با همسایه‌اش مرگ
از این فتح زبونه
به باهه و میگساری مشغول شد
لاخورها
ترانه فریب او را
نشخوار کردند
غوکان آبگشا
در ندانم چه دائم کاری غرق بودند
عشق پرده‌ی تیرگی را درید
زندگی
ارزا بلای آن
به با برهنگان لیختند زد.
آسمان مضطرب شد.
باران خون
سراسر زمین را فرا گرفت
گیوتران سفید کاکلی
پیش از آنکه به آوایی سر دهند
در خود غلغله شدند.
و شط خونشان
مزرعه‌های پر از سنبله را،
طرح کرد.

سی ام خرداد
با یربای طوفانزده
هم او شد
خروش بر آورد
و رعبه بر اندام کاج ستم افکند.
قرباد بر کشید:
آی...
گلدسته‌های شقایق
شما
چشمه‌های سرخ ستارگانید.
شلمه‌های شرق زمینید.
که در گذر شب سنگر می‌زاید.

شوق
در دستانتان می‌شکوفد
و در جزر و مد تاریکی
مشغلی از خونه خون
می‌شود.
بذر سرخ می‌کارید.
سبز می‌شود
گل خون می‌دهید
جنگل انبوه انسان می‌شود.
سی ام خرداد
روز خون
روزی که خورشید خون گریست
و کیوتران عاشق را در خون خود تمعید کرد.

امین
۱۷/۶/۸۶

مردم ایران...

روحیه دادن به نیروهای خود گفت بر اساس پیش بینی امام، امسال سال پیروزی است. خامنه‌ای خاشن نیز طی سخنرانیهای متعدد، از جنگ گسترده صحبت کرد. شکست‌های متعددی در نقشه‌های جنگی‌اش، سران رژیم را به آنجا می‌کشاند که پس گیری صبران را یک پیروزی بزرگ قلمداد می‌کنند. آنها که کسرا را از "فتح" کریلا و ۰۰۰ دم می‌زدند، اکنون که جنگ با بیست کامل روبرو شده، محبورند دروغ نجویسل نیروهای خود دهند تا تصور جنگ را بر خلاف خواست مردم و برای حفظ موجودیت رژیم رو به زوال خود گرم نگه دارند.



پرخیز از... بقیه از صفحه ۱۲

۱۳۵۱ - شهادت مجاهد خلق غلامحسین عالیزاده، طی درگیری با مزدوران ساواک شاه
۱۳۳۱ - قیام مردم ایران برای بازگشت دکتر معدوق به بست نخست وزیر
۱۳۶۰ - تاسیس شورای ملی مقاومت، تنها الفرناتیبو رژیم خمینی
۱۳۶۲ - اعلام برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خارجی
۱۳۹۶ - آغاز جنگ داخلی اسپانیا
۱۹۴۱ - ارتش هیتلری به اتحاد شوروی حمله نمود

۱۹۶۹ - تاسیس جمهوری دمکراتیک خلق یمن
۱۹۷۵ - پیروزی جنبش رهایی بخش مردم موزامبیک علیه استعمار پرتغال
۱۹۵۰ - آغاز تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به جمهوری دمکراتیک خلق کره
۲۶ ژوئن - روز همبستگی بین المللی با مبارزه مردم افریقای جنوبی علیه آپارتاید
۱۹۶۲ - استقلال الجزایر و تاسیس جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر
۱۹۸۹ - فتح باستیل و پیروزی انقلاب کمپیر فرانسه
۱۹۷۹ - پیروزی انقلاب نیکاراگوئه به رهبری جنبه ساندینیست

گزارشی از ...

تبقه از صفحه ۶

است که امروزه در هر کجای ایران می‌توان آنرا یافت و متأسفانه بیشترین گروه سنی که به اعتقاد روی می‌آورد ، جوانها هستند . پیدا کردن مواد مخدر براحتی خریدن سیگار است و افراد شناخته شده‌ای که خرده فروش هستند در سطح شهر مشهد با آزادی تمام به حمل و نقل و فروش هروئین اشتغال دارند و حال آنکه بسیاری از قربانیان سالها بدلیل اعتیادشان در زندان بسر برده و با به جریره و شکنجه گاههایی که بنام " تربیت و ارشاد معتادین" فعالیت می‌کنند ، تبعید می‌شوند و عده زیادی هم اعدام می‌شوند . اما به جای کم شدن این ماده‌ی مرگ آفرین روز بروز بر حجم آن افزوده می‌شود تا جایی که در بعضی از روستاها نیمی از جمعیت روستا را معتادین تشکیل می‌دهند که در میان آنها از پیر مرد و پیر زن تا کودک و نوجوان را نیز می‌توان یافت . آمار جنایت و سرقهت نیز بسیار بالاست . روزی نیست که در روزنامه‌های محلی یا رسمی اعلام کشف جنازه‌ای مجهول الهویه نشود . سرقهت هم که عاملین آن هویت های مختلف اجتماعی را دارا می‌باشند ، بحدی گسترده است که حتی همکاری بسیج ضد خلقی با کلانترها هم نمی‌توانند مانع از آن شود . در نتیجه‌ی شرایط خفقان باری که رژیم بوجود آورده و نیز فشار روزافزون اقتصادا دی تعداد خودکشی‌ها بسیار زیاد است که اغلب عامل آن فشار روحی می‌باشد و طبقات مختلف سنی را دربر می‌گیرد . فحشا بدلیل مسائل متعددی و از آن جمله جنگ و فقر رندی سرسام آور داشته است . مهاجرت روستائیان به شهرها که برای آنان سودی در بر ندارد ، نیز یکی از همین دلایل است . ساکنین محلات فقیر نشین شهر ، خانواده‌های گشته شدگان جنگ و خانواده‌های زندانیان سارق با معتاد بیشتر از همه در معرض این پدیده‌ی ضد انسانی و اخلاقی هستند . از سوی دیگر رژیم با بوجود آوردن گانوبهای ازبواج منطه‌ی میهنه سعی دارد تا به این مسئله لباس شرعی بیوشاند اما در عمل هیچ تفاوتی میان وجه قانونی ! و غیر قانونی آن وجود ندارد . سال پیش کشف شد که رئیس بنیاد مستضعفان خراسان دهها زن میهنه و عقسده‌ی داشته است و این مسئله که شاید کوچکترین سوری بوده که تصادفا کشف شده خود بخوبی گواه آنست که رژیم با پیش گرفتن سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی چگونه مروج فساد و فحشا می‌باشد .

بین و فاشیستی ترین نظامات سرمایه‌داری نیز به سرمایه‌دار داده نشده تا وی با سوء استفاده از موقعیت در تولید کارگران را به پذیرش این قبیل قراردادها وادار نماید . حتی در آمریکا و اسرائیل نیز دست سرمایه‌دار در انعقاد قرارداد کار تا به این حد باز نیست و تحت فشار جنبش کارگری مجبور شده‌اند حداقل حقوقی را برای کارگران در نظر گیرند . اما در جمهوری اسلامی سرمایه‌داران حتی همین حداقل نیز رعایت نشده و با استفاده از فقر کارگر همه چیز به او تحمیل شده است . در این لایحه فید شده که " مالک مواد اولیه " مالک تمام محصول آن خواهد بود . از این صریحتر نمی‌شود استثمار را توجیه کرد . از این واضحتر نمیتوان به سرمایه‌دار حق داد که به صرف " مالکیت " بر مواد اولیه همه حقوق محصول را از آن خود کند . از این روشنتر نمیتوان نقش کارگر ، که این مواد را به محصولات قابل مصرف تبدیل میکند و با نیروی کار خود به آن ارزش جدید میبخشد را نادیده گرفت . این دیگر حتی از سرمایه‌داری نیز پست تر است ، این دیگر افزودن حقوق فئودالی به حقوق نامشروع سرمایه‌داری است . در این لایحه کلامی هم در باره حق بیمه ، حداقل دستمزد ، حق اعتصاب و دیگر حقوق حقه کارگران گفته نشده و در عوض به کارفرما (بعنوان يك طرف قرارداد " شرعی ") اجاره داده شده تا هر زمان که اراده کند کارگر را به هر بهانه‌ای اخراج و قرارداد را فسخ کند . در این لایحه کارگی بعنوان به اصطلاح " بد امالی " محلا مسئول تمام فایده‌های کار مصرف شده و هر نوع خسارتی را باید جبران نماید .

کارگران قهرمان ایران :

تروسی مغضل این لایحه ارتجاعی و ضد کارگری در این مختصر نمی‌گنجد و آنرا به فرصت دیگری موکول می‌نماییم . اما مبارزه با این لایحه و پیامدهای سیاه آن از مبارزه با رژیم‌ها که برای تثبیت موقعیت سرمایه‌داری حکومت میکنند ، جدا نیست . این خانه از پای پست ویران است و با تصحیح و دست کاری این و آن جنبه ، کار بجایی نخواهد رسید . مبارزه با این لایحه ضد کارگری را به مبارزه‌ای گسترده علیه حاکمیت ارتجاع تبدیل کنید و شعار احقاق حقوق منفی کارگران را با شعار احقاق حقوق سیاسی همه مردم ایران ، یعنی شعار سرنگونی رژیم استبداد خمینی پیوند دهید . جنبش توفنده کارگران رسالت رهبری مبارزات خلقهای قهرمان ایران را دارد و لااقترا از هر نیروی دیگری است . بساط این کارگر فروشان و خادمین را در هم بریزید که پیروزی نزدیک است .

سرنگون باد رژیم ضد کارگری خمینی
مرکز بر حکومت سرمایه‌داران- پیروز باد جنبش توفنده کارگری
هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران- پیرو برنامه (هویت) - تهران

شپنامه‌های ...

تبقه از صفحه ۱۲

سرمایه‌داران و وزیرکار آن در کارگرومایی دست دنگران را از پشت بسته‌اند مدعی شدند که این قانون حقوق حقه کارگران را تامین خواهد کرد و دهها سمنار سخره هم در این رابطه براه انداختند . اما قبل از اینکه این لایحه در مجلس ارتجاع به بحث گذاشته شود ، لایحه دیگری از همین دولت در اولویت قرار گرفت : لایحه فعالیت بخش خصوصی . این لایحه گر چه در ظاهر نباید کاری بمناسبات میمان کارگر و کارفرما داشته باشد ، اما بخش عمده ای از آن به این مسئله اختصاص یافته و در کلیه مفاد دست سرمایه‌دار را برای جپاول سی حد و حساب کارگر باز گذاشته است . در این لایحه ی صد در صد " اسلامی " به سرمایه‌دار اجازه داده شده که هر نوع قرار دادی را با هر شرایط و اجرتی که خود بخواید به کارگر تحمیل کند ، تنها بشرط آنکه طرفین قرارداد به آن " رضا " دهند . از روز نیز روشنتر است که این بند تنها در خدمت سرمایه‌داران است و حق هرنوع مخالفت و اعتراض را از کارگران میگیرد . ما توجه باینکه حداقل بیش از ۲۰ درصد از نیروی کار انسانی جابته بیکار میباشد و صفوف طویل بیکاران در مقابل درب کارخانه‌ها تشکیل شده ، پر واضح است که کارگران زحمتکش و محروم برای بدست آوردن حقوقی بخور و نمیر و تامین حداقل مخارج زندگی زینورزند- انشان جاقهتد به هر نوع قراردادی " رضا " دهند تا شغلی بدست آورند . چنین اختیاری حتی در عربانتر-

شرکت دادن بخش خصوصی باشد ، بهویتی که به عنوان مثال بخشی از درآمد برای خریدهای خارجی در اختیار آنها قرار گیرد و سجرای توزیع کالاها نیز بوسیلهتجار تعیین کرده - بیشتر اختلافاتی که در شهرستانها میان مزدوران محلسی رژیم وجود دارد برخواسته از همین مسئله است . مثلا در مشهد میان واعظ طیبی نماینده‌ی خمینی و شیرازی امام جمعه اختلافات شدیدی وجود دارد که در این میان سیاه جانب شیرازی را گرفته و واعظ طیبی نیز از جانب خامنه‌ای و استنادار حمایت می‌شود . او با در پیش گرفتن سیاستهای ضد مردمی " اداره‌ی آستان قدس رضوی " را به یکی از مراکز بزرگ سرمایه‌داری تبدیل کرده است که در رشته‌های خانه سازی ، کارخانه‌داری ، زمین دارو غیره فعالیت می‌کند . در هنگام انتخابات مجلس شورای اسلامی میان کاندیداهای جناحها اختلافات شدیدی بروز کرد ، بنحوی که مثلا در تربت حیدریه کار به زود خورد کشید تا جایی که نویسی زاده کاندیدی بازار از صندوقهای منطقه‌ی خوف سر بر آورد . و بعقوبی بعنوان نماینده‌ی تربت حیدریه به مجلس راه یافت و با در طیبی امام جمعه‌ی آن که بر سر مواضع خود بافشاری می‌کرد به تم تسعید و پسرش نیز در جریان توطئه‌ی جناح دیگر به نقل رسید . در کاشمر سان حسنی نماینده مجلس با امام جمعه اختلافات شدیدی وجود دارد که نماینده فوق الذکر از خانواده‌های گشته شدگان جنگ به نفع خود استفاده کرده و چندین بار آنها را به نظاهرات و سر هم زدن مراسم نماز جمعه را داشت ، بنحوی که امام جمعه و سیاه در شهر حکومت نظامی بر قرار کردند .

در تکمیل روتوزیع
آثار سازمان
بکوشی بد



اخبار

بقیه از صفحه ۴

حسین) و محمد طاهر اکبری (ضام) شهادت رسیدند و ۲ رزمنده دیگر مجروح شدند.

۶۵/۳/۶ - رزمندگان مقاومت طی يك عملیات قهرمانانه علی سزادی یوز یکی از اعضای بخش اطلاعات سپاه پاسداران ارتجاع در گیلان را مورد حمله مسلحانه قرار داده و وی را بهلاکت رساندند این عملیات در یکی از روستاهای تابع لاهیجان صورت گرفت.

۶۵/۳/۱۲ - يك واحد از رزمندگان مجاهد خلق به یکی از مراکز تجمع مزدوران رژیم خمینی در منطقه شرق تهران با نارنجک حمله نموده و خساراتی بسدان وارد ساختند.

۶۵/۳/۵ - رزمندگان مجاهد خلق طی يك عملیات انقلابی در روستای "گوهر دم" از توابع آستانه اشرفیه ، یکی از مزدوران رژیم بنام خدا بخش سرفراز را مورد تهاجم مسلحانه قرار دادند.

۶۵/۳/۱۸ - يك واحد از تیروهای مقاومت در نرسیز طی يك عملیات مسلحانه یکی از مزدوران رژیم بنام حاج یوسف عراقی معروف به شاطر یوسف را مسورد تهاجم انقلابی قرار داده و وی را بشدت زخمی نمودند

۶۵/۳/۲۴ - رزمندگان مقاومت در ساری طی يك تهاجم انقلابی به محل تجمع پاسداران ارتجاع دو تن از پاسداران خمینی بنامهای عبوری و طالبی را به هلاکت رساندند.

۶۵/۳/۲۳ - رزمندگان مجاهد خلق با نصب بمبدرمتر سپاه پاسداران خمینی در زیر آب قائم شهر ۶ تن از مزدوران سرکوبگر رژیم را کشته و زخمی نمودند.

۶۵/۳/۲۳ - رزمندگان مجاهد خلق طی يك عملیات انقلابی در رشت ، ۲ تن از مزدوران رژیم خمینی به نامهای روانبخش حدیری و سپهرداد صادقی را که از عوامل موثر بخش اطلاعات سپاه پاسداران ارتجاع بودند بهلاکت رساندند.

۶۵/۳/۲۵ - طی يك نبرد قهرمانانه که بمسندت ۲۴ ساعت در منطقه سربوان ادامه داشت ، رزمندگان مجاهد خلق توانستند ۵۰ تن از مزدوران رژیم اکشته و زخمی نمایند . در این عملیات قهرمانانه ۹ تن از رزمندگان دلیر مجاهد خلق با انتحار شهادت رسیدند.

۶۵/۳/۲۷ - رزمندگان مجاهد خلق طی يك عملیات انقلابی یکی از مراکز سپاه پاسداران خمینی در تبریز را مورد تهاجم مسلحانه قرار دادند.

۶۵/۳/۲۸ - رزمندگان دلیر مجاهد خلق طی يك تهاجم انقلابی به ساختمان صدا و سمای رژیم در زاهدان، یکی از پاسداران مزدور که مامور حفاظت از اسن مراکز بود را بهلاکت رساندند.

۶۵/۳/۲۹ - در جریان يك درگیری گسترده بین رزمندگان مجاهد خلق با مزدوران سرکوبگر خمینی در زاهدان يك پاسدار ارتجاع بهلاکت و ۳ نفر از پاسداران رژیم زخمی شدند . در این عملیات یکی از رزمندگان مجاهد خلق بنام "سهراب" در جریان درگیری شهادت میسرده . یادش گرامی باد .

۶۵/۳/۲۳ - رزمندگان مجاهد خلق با تهاجم مسلحانه به مزدوران رژیم در زاهدان ، دو مزدور رژیم که از نگهبانان زندان رژیم در زاهدان بودند بهلاکت رسیدند .

از مطبوعات رژیم

از سوی براندازان پاسدار کمیته انقلاب اسلامی در تهران

تعدادی زن و مرد دیروز در رابطه با بدلباسی و مبارزه

با منکرات بازداشت شدند

اسلامی شده‌اند. در اینجا کمیته انقلاب اسلامی بار دیگر سخن اعطار شده به این افراد مهم است تا هنگام و حرامها امت حزب الله و رزمندگان کفر سبز اسلام با این پدیده تحریک مبارزه جدی و قاطعاً انجام بدهند.

روایه عمومی نهاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی طی اطلاعیه‌ای اعلام داشته: پیرو اطلاع و اعطار قبلی بدستور کنندگان الهه منزلت افراد بنسحاب و ترویج متحدان فرحنگ ضد اخلاقی و ممبره کنندگان الهه منتش

بعضی از بی حجابها ضد انقلاب هستند

بیشتر من بارها در این بحث گفتیم که به اینها اجابت برگ بر بی حجاب و این کارها را نکنید. بگذارید اینها کم کم بفهمند اما نمی فهمند. بعضی هایشان حاد دارند، بعضی هایشان اصولاً ضد انقلاب هستند. یعنی چون با انقلاب مخالف هستند، اینجوری میکنند که بگویند ما با انقلاب لایب لایبیم. بپهر حال مطمئن باشید که از این به بعد انشالله با آمدن قانون که حرکت قانونی باشد دیگر در جمهوری اسلامی ما تحمل نمی کنیم که برای تخریب خانواده و تخریب رابطه زن و شوهر، و تخریب رابطه بچه و مادر، تخریب خواهر و برادر، و به هم زدن این نهاد مقدس ازداد لایبالی و هوس باز بتوانند مصلحت این جامعه را به بازی بگیرند (تکبیر نمازگزاران).

جمهوری اسلامی

هشدار به خانمهای بی حجاب

ما الان افرادی را می بینیم و هر قدر نصیحت میکنیم و از طریق تقوا میخوانیم به این محیط سالم برستیم هنوز يك مقاومتی مانعی هست و خانمهایی متأسفانه پس از هفت سال از انقلاب هنوز به این وضعی اند که مقداری از مویشان بیرون باشد. لایبالی با اینطور ازاد خیلی با نصیحت و موعظه برخورد کرده‌ایم و هنوز هم بعضی از شهرهای بزرگ این پله را دارند و در بعضی در بعضی مغازه‌ها اینگونه مسائل ترویج میشود و در بعضی ادارات هنوز خوب مراعات نمیشود و اینها خطرناک است و فکر میکنم که پس از هفت سال نمدلمان، ما هم تمام بشود، مردم حزب الله چند پارطیان و پدید که در عیابها و رختخواب از همین تریبون نماز جمعه وزیر کشور و دیگران خواهش کردند و به آنها وعده دادیم که اینها خودشان آدم میشوند و باز می بینیم که مثل اینکه اینها يك مقدار احتیاج به خشونت دارند (تکبیر نمازگزاران).

الته شورایم عالی قضائی يك پیش نویس لایحه‌ای را تهیه کرده و ما قبلاً به تریب انا وضع داده بودیم که عمل میکنم و مصلحتش را فراهم کرده‌اند و حتی روزها به مجلس می آید. این لایحه در نظر گرفته است که از دو گروهی در مخالفتی در نظر بگیرند برای بسازای خانمها و آقایانی که چال مرحله‌ای از لاسد اخلاقی هستند (تکبیر نمازگزاران).

فکر شده که اینها نوعاً آدمهای هستند که در وقت کار و این حرفها را نشنیده‌اند و با پولهای باد آورده‌ای که با شوهرشان زودبده یا عوشتان می دزدند یا به ارت و سینه و پا از چیزهای دیگر اینجوری به باز آمده‌اند. و فکر شده که در هر منطقه‌ای يك دادگاه برای اینها ست کنند.

حجت الاسلام مقدسای عضو سخنگوی شورایم عالی قضائی دیروز در یک کنفرانس خبری روستا سینه‌میت متذکره و مسائل مطرح شده در جلسات این هفت روزگی عالی قضائی را برای نمایندگان رسانه‌های کثرو هیئت شرح کرد.

آقای مقدسای گفت: در رابطه با تظاهر فساد و اعمال ضد اسلامی که از شوهرهای مسئول و بریندو باری فریب است. لایحه‌ای تنظیم کردند که در آن برای آزادی کنندگان سینه‌ی مسئول و سانه‌ها از خارج از کشور نیز تولید کنندگان اینگونه لباسها در داخل کشور و محضن برای فرستندگان و کسانی که این لباسها لباسهای زیرین زنانه را در معرض دیده و مقرر می دهند و برای مصرف کنندگان این لباسه که متظاهر آن باشند کفرهای فریبی و سینه‌ی بی حجابی شده است.

۱۳۶۵ اردیبهشت ماه

اطلاعات

۶۵/۲/۱ - رزمندگان مجاهد خلق طی يك عملیات مسلحانه انقلابی ، ساختمان مرکزی روزنامه جمهوری اسلامی در تهران را مورد تهاجم قرار دادند.

۶۵/۲/۵ - رزمندگان دلیر مقاومت طی يك درگیری با گروه کثیری از مزدوران جنابستکار رژیم در منطقه لاهیجان - آستانه حداقل ۱۰ تن از مزدوران رژیم به هلاکت رسیدند . در این عملیات ۲ تن از رزمندگان مجاهد خلق شهادت رسیدند .

۶۵/۲/۲ - رزمندگان مقاومت طی يك تهاجم انقلابی ملاعراقی خریزی امام جمعه روستای فرجه از توابع سنجند را بهلاکت رساندند .

۶۵/۲/۷ - رزمندگان مجاهد خلق طی يك تهاجم مسلحانه یکی از مزدوران بسیج پاسداران ارتجاع در گنبد را بهلاکت رسانده و يك مزدور بسیجی دیگر را شدت زخمی نمودند .

۶۵/۲/۲ - رزمندگان مجاهد خلق طی يك تهاجم انقلابی يك اتومبیل گشت مزدوران رژیم را در کرمان در هم کوبیدند . در این عملیات یکی از مزدوران رژیم بنام محمد ابو حدیری بهلاکت رسید و ۲ نفر از مزدوران رژیم مجروح شدند .

۶۵/۲/۹ - رزمندگان دلیر مقاومت طی چند رسته درگیری با پاسداران ارتجاع در روستاهای "گوهردان" "داخل" و "بشل" از توابع لاهیجان ، تلفات موثری به مزدوران رژیم وارد کردند .



تا کنون تعدادی از اشعار م ناسرداری (ژاکاوا) برنمود خلق چاپ شده است . اکنون يك مجموعه از اشعار وی در يك جلد چاپ شده است . علاقمندان برای دریافت این کتاب می‌توانند آدرس سرد خلق مکاتبه نمایند قیمت کتاب معادل ۱۰ فرانک فرانسه است .

در زندانهای...

بقیه از صفحه ۱۱
که در داخل سالن بند حضور داشتند کمدها هورا کشیده و اعتراض خود را بلند کردیم . خلاصه با سادارها و توابع به داخل سالن ریختند و در سلولها را بستند و بعد از اینکه آرامش برقرار شد اسامی حدود ۴۰ نفر را خواندند و از بند بیرون بردند . حدود سه روز ایشان را در جایی که " گاودانی " نام گذاشته بودند و هر چند ساعت یکبار با چوب و شلنگدیسه جانشان افتاده بودند . موقمی که به بند باز گردانده شدند پاهایشان همه ورم کرده بود و بعضی ها سر و صورتشان نیز شکسته بود . تک تک آنها را بغایت میکروفون بردند تا حرکت آبروز را محکوم کنند . بعد از این جریان تغییر و تحولاتی در بند ایجاد شد که به توضیح آن می پردازم :

قوانین جدید بند :
بعد از جریانی که گذشت دیگر بند آن آزادی نسبی که داشت از دست داد و قوانین در موارد زیر تغییر کرد : ۱- هواخوری که قبلا آزاد بود به یک ربع در روز تبدیل شد . ۲- دستشویی که قبلا آزاد بود سه سه وعده در روز و هر وعده یک ربع برای اتاقهای ۴۰ نفری تغییر کرد . ۳- قبلا هر کسی می توانست با افراد سلولهای دیگر در تماس باشد اما طبق قانون جدید تماس با افراد غیر از سلول خویش ممنوع شد .

۴- در وضع غذا نیز تغییراتی دادند و قبلا که بر اساس نیاز نان می دادند ، قوانین جدید برقرار (اما اعلام نکردند که نان نیز کم خواهد شد) و به هر نفر در ۲۴ ساعت یک نان می دادند . جز در مورد سوم هر چند بیشتر مواقع باعث اذیت و کتک زدن می شد باز تماس با افراد سلولهای دیگر قطع نمی شد . البته تمام تماسها و روابط افراد یک سلول نیز زیر نظر آنها بود ، اگر چند نفر رابطه شان بیشتر مشاهده می شد آنها را از بند بیرون می بردند و از ایشان بازجویی بعمل می آوردند و گزارش تشکیل تشکیلات نیز در پیرونده درون زندان آنها درج می شد . مسئله تشکیلات زدن را جدی رسانده بودند که اگر دو نفر با هم قدم می زدند و یا با دیگری می نشستند متهم به تشکیلات زدن می کردند و بر آنها فشار جسمی و روحی زیاد وارد می کردند . در مورد چهارم یعنی مسئله غذا ، فشار بیش از حدی را متحمل می شدیم از آن روز (۵/۲۹) بعد جز اتاق توابع هیچیک از زندانیان در سه وعده (صبحانه ، نهار ، شام) سیر نمی شدند . بعضی اوقات یک لقمه نان در داخل بند نبود با وجود اینکه غذا قبلا آبگوشت بود . این وضعیت بر روحیه زندانها اثر می گذاشت . شبها همه از فرط گرسنگی هر یک برای خودش در گوشه ای می نشست . هر وقت هم مسئول زندان برای بازدید می آمد ، امرا مطرح می کردیم اما در جواب می گفت شما نباید مانند یک انسان عسادی که در خارج زندان است زندگی کنید . در طول مدتی که در قزل حصار بیوم هیچ وقت یک تکه گوشت که بشود اسمش را گوشت گذاشت مشاهده نکردیم . موقمی که دیگه غذا وارد بند می شد قبل از همه ، توابع طرفهای خود را از مواد مغذی غذا پر می کردند . در مورد نان هم همینطور بود . ایشان همیشه به اندازه نیازشان نان می گرفتند ولی هیچوقت حتی یک کناره کوچک نان با سوختگی آن در سفره باقی نمی ماند . روز به روز فشار بیشتری می آوردند . بخاطر مسائل

سیار جزیی مانند مثلا یک سلام با سلول دیگر بسیار بیشتر از یک ربع در دستشویی و هواخوری مانند گاهی اوقات ما را ۳ الی ۴ روز چشم بسته ، سر با بگسه می داشتند . قبلا که عدم زندگی کمونی را به سیکار و لباس محدود کرده بودند پس از مدتی به جزئی ترسین مسائل نیز رسانیدند و اینبار حتی قندی که برای خوردن جای می گرفتیم می بایست هر کس در سالک خودش بگذارد و با وسایلی که از فروشگاه می خریدیم می بایست هر کس برای خودش بگیرد و کسی حق استفاده از وسایل دیگری را نداشت . البته هیچوقت نتوانستند این قانون را کاملاً تحمیل کنند . مثلا قندی که می گرفتیم بخاطر اینکه اذیتمان نکنند هر کس در سالک خود می گذاشت ، اما ههگی از یک سالک و قندان استفاده می کردیم و با می بایست مثلا بر روی شیشه آلبیمو هر کس اسم خودش را بنویسد ، ما هم مجبور بودیم بنویسیم ولی باز از یک یا دو شیشه آلبیمو استفاده می کردیم . در مورد صابون دستشویی اجبارا می بایست هر کس قالب صابون شخصی داشته باشد و کسی حق استفاده از صابون دیگری را نداشت و اگر این قوانین را اجرا نمی کردیم به قیمت کتک خوردن زیادی تمام می شد . (دنباله دارد)

اعتصاب

بقیه از صفحه ۱۲

اعتصاب عمومی انتخاب گویا روز قبل دادستان گل ارتجاع طی اظهاریه ای پزشکان را تهدید میسوده و حرکت آنان را " ضد انقلابی " نامید و به پزشکان ایران نسبت به عواقب حرکت خود " هشدار " داد . وی اعلام نمود که در صورت وقوع چنین اخلاقی با انسان قاطعانه برخورد خواهد شد " که منظور وی از برخورد قاطعانه در فرهنگ سرکوبگر رژیم خمینی برای پزشکان روشن بود . اما علیرغم این تهدید پزشکان ایران، جز تعداد معدودی با سادار، پزشک که جیره خوار رژیم هستند ، سر موعده دست به اعتصاب زدند . در تقابل با این حرکت پزشکان موسوی نخست وزیر ارتجاع طی حکمی " منافی " که یکی از سر سبردگان مشهور رژیم است را به سرپرستی سازمان نظام پزشکی ایران منصوب کرد و در حکم خود یاد آور شد که تا زمان تصویب قانون مربوط به نظام پزشکی در مجلس ارتجاع بهر سرکوبی می تواند مبادرت ورزد . موسوی خاشن به منافی توصیه کرد که " برخورد جناب عالی بعنوان نماینده دولت در این سمت با معدود افراد سود جو و ضد انقلاب " ... " قاطع و انقلابی خواهد بود " علاوه بر موسوی دیگر سران رژیم در وحشت از این حرکت پزشکان به تهدید پزشکان پرداختند . محشمسی وزیر کشور ارتجاع در رابطه با این حرکت به گرافه گویی پرداخت و از ریشه های " طاغوت " در نظام پزشکی صحبت کرد . منافی از رابطه پزشکان با " ضد انقلاب خارج از کشور " صحبت کرد . اما علیرغم همه این تهدیدات سران رژیم ، پزشکان کشور با حرکت خود ، تنفر خود را از رژیم ضد مردمی خمینی نشان دادند و تماسی تصدیقات رژیم نمی تواند پزشکان ایران را به ایزاری برای سیاستهای جنگ طلبانه و سرکوب گرانه رژیم تبدیل کند .

صاعقه

برای سعید سلطانی پور

ستاره ای درخشان
هنگامه بهار رقمید
شبنامه
شعار
کوکتل
و هزاران امید
خورشید بر دمید
سر انجام ننگه ۲۵۰۰ سال خونخواری
از جوانه هر فریاد درختی قد کشید
و بر مزار شهیدی
شکوفه داد
استبداد
هنگامه را زدود
خورشید را ربود
انگار نه صبح
صافه بود
شب را بر شبنامه بستند
خانه ها را گشتند
ارتجاع تجربه داشت سرنگونی جلادی را
سپس شکوفه ها
سرخ ، سحر ، به سیاهی گرایید
جلاد باز هم سعید را به بند کشید
شاعر خلق در خون و خاک فلتید
دفتر شعری بیادگار ماند
هر برگش داد از بیادها
هر بگش سرودها و فریادها
" بر وطنم چه می گذرد "
در سوگه وطن
وطن در عزای تو
گلپای بهار از کلوازه شجرت رنگین
چوبه دار شرمگین
جنگل مغرور سر انداخته
غمگین
بکیار چه دست در دست
غلبه ارتجاع بست
در ابراموج خون خوانند
" بتک است خون من در دست کارگر "
" داس است خون من در دست بزرگر "
زاکاو
بهار ۶۰

نامه های ...

بقیه از صفحه ۵

اخذ نامید . همچنانکه ماهیت چنین حکومتی در شرایط بقدرت رسیدن و ادامه حکومتش ایجاب می کند ، لشکری از جاسوسان و نان به نرخ روز خوران گسردش را احاطه کرده اند . بازرگان و شرکایش ضعیف و مغرور فعلا می کوشند آخرین پایگاههای خویش را حفظ کنند . در اینجا به توضیح در باره سوسیال مرتجعین و آنچه را که روحانیت برای خود نامیده ایم پیش از این نمی پردازیم و با این جمله لنین به بحث خانسه می دهیم :
" در مورد کشورها و ملت هایی که در حال عقب ماندگی بیشتری هستند اول ... دوم لزوم مبارزه علیه روحانیون و سایر عناصر مرتجع و قرون وسطایی که در کشورهای عقب مانده صاحب نفوذ هستند . سوم : لزوم مبارزه علیه بان اسلامیزم و جریانات نظیر آن که می کوشند جنبش رهایی بخش ضد امپریالیسم را با تحکیم موقعیت خانها و ملاکین و آخوندها و تحسره توام سازند "
(لنین ، طرح اولیه نژهای مربوط به مسائل ملی و مستعمراتی)
(ه) ۶۴/۱۱/۸

در زندانهای ...

بقیه از صفحه ۱۲

ساعت حدود ۱۴ بود همانجا روی زمین نشسته بودیم مقداری برنج که به "غلف پلو" مشهور بود بدون نان و قاشق جلویمان گذاشتند. بعد از ناهار ما را سوار ماشینهای مخصوص دادستانی کردند و یک ماشین سواری بعنوان محافظ همراهان فرستادند. رفتیم و سراز زندان قزل حصار در آوردیم که روی در آن نوشته شده بود "ندامتگاه مرکزی قزل حصار" بر روی دیوار آن نوشته شده بود "با لاترین زندان، زندان نفسی است و این زندانها برای شکستن آن است". نقل قول از امام خمینی

"شکنجه گاه قزل حصار"

روز ۶۲/۵/۱۶ حدود ساعت ۲ وارد زندان قزل حصار شدیم از دروازه بزرگی که الکتریکی بود وارد حیاط بزرگی شدیم و جلو ساختمانی توقف کردیم. ماشین پایین آمدیم. از زیر چشم بند که نگاه کردم تابلوسی را مشاهده کردم، روی آن نوشته شده بود کانسون آموزش کار زندانبانان واحد یک، وارد سالن بزرگی شدیم داخل سالن دستور توقف دادند. مزدوران رژیم به بازدید بدنی و وسائلی که همراهان بود پرداختند هر چه خودکار و دفترچه و تیغ و تیزی و کفش سود از داخل وسایل بیرون آوردند. ناگفته نماند که مزدوران ضمن بازدید وسایل به بحث و سازا گوئی و گاهی سیلی و لگد زدن نیز می پرداختند. با لآخره بازدید وسایل به اتمام رسید و پشت سر هم چشم بسته ایستاده بودیم، یک نفر که بعدا معلوم شد مسئول زندان یعنی "حاج داود رحمانی" بوده لیستی در دست داشت و با صدای بلند شروع به صحبت کردن نمود و ضمن لقب دادن کلماتی مانند "قاتل" و "جنایتکار" ما را تهدید به تنبیه کردن و آزادنگردن کرد و سپس در مورد حکمهایی که داریم چنین گفت: "در اینجا ما کاری به حکم نداریم، آنچه برای ما مهم است برگشت شما از موضع گذشته است که باید در عمل ثابت کنید، مطمئن باشید تا خودتان را اصلاح نکنید از اینجا بیرون نخواهید رفتند و دیوارها آنتنر کلفت هستند که شما را تا آخر عمر تحمل کند شما می بوسید، اما دیوارها باقی خواهند ماند". سپس جلور در بند واحد یک را باز کردند و ما را چشم بسته بردند داخل بند توابعین خود فروخته با مشت و لگد و سیلی به پیشوا زمان آمدند. با لآخره آنتنر اهت کردند که چند نفری مجبور به اعتراض شدیم و به جرم این اعتراض چند ساعت محبوسمان کردند سر با بطور ایستاده رو به دیوار چشم بسته برای یکسره. بعد از این جریانات وارد محل بزرگی که مسجد بود شدیم در آنجا چشمانمان را باز کردند. جمعا ۲۲ نفر بودیم و از بوکان، سقر، بانه، سردشت منتقل شده بودیم، یک نفر وارد مسجد شد و معلوم بود که کارهای است (بعدا فهمیدیم که این فرد اسمش "حسین قربانی" می باشد و توابعین بوده و شامل اعدام چند نفر هم هست و حالا مسئول بند می باشد). وقتی خوب نگاهش کردم فهمیدم که او یکی از افرادی است که وسایلمان را بازدید می کرد و همچنین از کسانی که به پیشوا زمان آمدند است. وی نیز حرفهای بسیاری مثانه حاج داوود رحمانی را تکرار کرد و سپس مقداری در مورد توبه کردن و سازمانها و جریانات

انقلابی چرند گفت. بعد از اتمام صحبتایش دسته دسته ما را به دستشویی بردند و دو یا سه نفر هم محافظ که مبادا افراد داخل سلولها چیزی بگویند همراهان آمدند، خلاصه دوباره در مسجد تجمع کردیم و صفمان کردند و تک، تک اسم و جرسها را پرسیدند و در پایان سوال می کردند توبه کردی یا نه؟ آیا حاضری گروهها را محکوم کنی؟ و آیا همکاری می کنی؟ و بعد از آن در بند تقسیم شدیم و بعد سلولهایی که خالی بودند منتقل شدیم (بعدها فهمیدیم که بخاطر این بوده که زندانبانان دیگر نتوانند جریانات بند را اطلاع بدهند). تا حدود ۲۴ ساعت اجازه ندادند کسی با ما تماس بگیرد و بعد از این مدت ما نیز مانند بقیه وارد بندها شدیم.

"و شصت کلی و جزئی بند یک واحد یک"

الف: مکانهای بند:

بند یک واحد یک دارای ۲۴ سلول می باشد که ۱۶ سلول آن تقریبا ۳۲ و ۸ سلول دیگر آن ۶۴ می باشد. داخل اتاقهای کوچک ۹ تخت و اتاقهای دیگر دارای ۱۸ تخت می باشد. یک سالن بزرگ نیز دارد که به اصطلاح مسجد می باشد و نیز دارای اتاق ۳۴ است که می بایست آبدارخانه باشد. اما مسئولین بند در آن زندگی می کردند. علاوه بر اینها بند دارای ۱۲ اتوالت و ۱۲ دوش حمام و محلی برای ظرفشویی و دستشویی است. اتاقهایی که در بالا مشخما نشان گفته شد در زمان هر کم تعداد و تختهای موجود در آن زندانبانی قرار می دادند. اما مزدوران رژیم از یکسو بیعت کسرت زندانبانی و از سوی دیگر برای اهت کردن روحی زندانبان در اتاقهای کوچک حداقل ۱۸ نفر در اتاقهای بزرگ ۲۹ الی ۴۰ نفر قرار می دادند. گاهی اوقات از این تعداد هم بیشتر می کردند. بطور خلاصه می توان گفت که خواب یا استراحت در قزل حصار وجود ندارد. تنها همه روی گنبد و به اصطلاح جلادان رژیم نشینی می خوابیدیم و اغلب با هاهیمان روی سینه هم می افتاد. جا بخدی تنگ بود که زیر تختها نیز می خوابیدیم و در زیر هر تخت ۲ نفر می خوابیدند وقتی کسی شب بیدار می شد و از اتاق خارج می گردید دیگر جایی برایش نمی ماند و خود بخود جایی وی گرفته می شد. بیشتر زندانبانان تقریبا هشتاد درصد به گمر درد مبتلا شده بودند و یکی از دلایل طریق گفته دکتر همین طرز خوابیدن بود. در بالای تختها نیز بغیر از بکتفر اجازه نمی دادند که بخوابیم.

ترکیب و تقسیم اتاقها و مکانهای دیگر به مذهبی و غیر مذهبی؛ ترکیب اتاقها از لحاظ وابستگی گروهی جز سلول مجاهدین بقیه ترکیب یکسانی نداشتند. اما تقسیم بندی آنها بر اساس مذهبی بودن و غیر مذهبی بودن بود. اتاقهای بزرگ یعنی هشت تا اتاق آخری جزئیگی از آنها که سجاهها در آن بودند، بقیه غیر مذهبی و کفار و از این قبیل اسمها خوانده می شدند. اتاقهای ۱ تا ۳ اتاق توابعین بود و بقیه اتاق کسانی بودند که نماز می خواندند اما با رژیم همکاری نمی کردند. مسئول زندان آنها را مارهای خوابیده می نامیدند. مکانهای دیگر بند نیز به همین اساس (مذهبی و غیر مذهبی) تقسیم بندی شده بود. توالت ها و دوشهای حمام، دستشویی و ظرفشویی و غیره شامل این برنامه بود.

توابعین بند:

توابعین که هم اکنون توضیح می دهم مربوط به تقریبا نایستان ۶۲ می باشد که بعدا تغییر کرد و در صفحات بعدی در مورد آن خواهم نوشت.

زمانی که ما را به بند یک دادند، بند عمومی بود، یعنی در تمام سلولها باز بود و همه زندانبانان با هم دیگر رابطه داشتند. دستشویی رفتن نیز در هر زمان آزاد بود، هواخوری نیز بعد از ویدئوهای آموزشی آزاد می شد و زندانبانان در داخل حیاط به والیبال و فوتبال و غیره مشغول می شدند. قوانین دیگری نیز مبنی بر عدم زندگی کمونی وجود داشت، یعنی مثلا در نفر حق نداشتند از یک لباس استفاده کنند و یا با هم سیگار بکشند و اگر کسی مرتکب این چیزها میشد جدا از اینکه گزارش مفصلی برایش می نوشتند مورد شکنجه و اهت قرار می گرفت. البته با وجود اینکه ظاهرا بند عمومی بود و همگی می توانستیم با هم قدم بزنیم و صحبت کنیم اما کوچکترین رابطهها نیز کنترل می شد. یعنی جاسوسهای رژیم هر روز گزارش کنترلهای زندانبانان را تحویل می دادند و اگر کسانی رابطهشان بیشتر از بقیه بود مورد بازجویی قرار می گرفتند. یکی از قانونهای دیگر عدم مشغولیت بود، به این صورت که کسی حق نداشت کار دستی و کارهایی شبیه آن انجام دهد. این قانون هم بخاطر این بود که می گفتند مشغولیت باعث عدم فکر کردن برای توبه نمودن می شود. ورزش و نرمش نکردن نیز از قوانین دیگر زندان بود. افرادی هم که گمر درد شدید داشتند می بایست دکتر تائید کند و مسئول بند هم اجازه بدهد تا ۳ حرکت خوابیده را انجام دهد. در همین رابطه حاج داوود می گفت: ما اینجا می خواهیم لوجهها را از بین ببریم. ورزش کردن باعث تقویت روحیه شما خواهد شد. بنا بر این ما به کسی اجازه نرمش کردن و غیره نخواهیم داد. (این قانون شامل والیبال و فوتبال نمی شد).

آزادی نسبی که در بند یک وجود داشت زیاد دوام نیاورد و بعد از مدتی جزیانی در داخل بند بوجود آمد که باعث تغییرات کلی در وضع بند شد و از آن به بعد در سلولها بسته شد و در محدودیت بسیار زیادی قرار گرفتیم. جریان مذکور این بود: همچنانکه قبلا ذکر کردم مسئله زندگی کمونی برای مزدوران رژیم بسیار مهم بود. آنها می گفتند زندگی کمونی باعث می شود افراد به همدیگر نزدیک شوند و بر مواضعشان بمانند. یکی از این موارد عدم استفاده دو نفر از یک سیگار بود (لازم به توضیح است که بیعت کمبود سهمیه سیگار، زندانبان مجبور بودند بیست سیگار را بین ۲ الی ۳ نفر تقسیم کنند). در تاریخ ۶۲/۵/۲۹ دو نفر از زندانبانان کرد در حال کشیدن سیگار کمونی دستگیر کردند. آنها را به دفتر بردند و هر چه سیگار داشتند از ایشان گرفتند، آنها نیز در مقابل این عمل مقاومت می کنند که با برخورد تند مسئول بند روبرو شدند و خلاصه کار به جایی رسید که مسئول بند را کتک زدند. نه محض زدن مسئول بند تمام توابعین خود فروخته بر سر این دو نفر ریختند و آنها را کتک زدند و پاسدارهای محافظ بند را نیز با خیر کردند. خود مسئول زندان (حاج داوود رحمانی) نیز وارد بند شد و این دو نفر را زد. زندانبانان

در زندانهای خمینی

تزارشی از یک رفیق

بوتیج
آنچه در زیر سر آید، گزارش جامعی از سببهای
زندانبندی رژیم خمینی در تاریخهای گوناگون است که
از سبب یکی از رفقا شمه شده است و طی چند شماره
از نظر خوانندگان سازش میگذرد. ما در چاپ این
گزارش از ذکر نام بعضی افراد زندانیان به سبب
گوناگون خودداری کرده و تنها حرف اول نام و تعلق
سازمانی آنها را ذکر میکنیم. این گزارش از
استان ۶۱ تا اواخر سال ۶۲ را در بر میگیرد.

فرم بزرگ بازجویی به این ترتیب بود
نام و نام خانوادگی - نام پدر - اتهام - تاریخ دستگیری
محل دستگیری

- ۱- در رابطه با چه گروهی دستگیر شده اید؟
- ۲- کس یا کسانی که با ایشان در ارتباط بوده اند نام ببرید.
- ۳- آیا کسانی را که با ایشان در ارتباط بوده اند دستگیر شده اند یا نه؟
- ۴- آخرین قراری که با همکارانتان داشتی چه تاریخی بود؟
- ۵- آخرین خبری که از ایشان دارید ذکر کنید.
- ۶- حدس میزنید ایشان کجا باشند؟

- ۷- چه پیشنهادی برای نحوه دستگیری ایشان دارید؟
 - ۸- آدرس منزل ایشان را بنویسید.
 - ۹- مجرد هستند یا متاهل، در صورت متاهل بودن کلیه مشخصات همسر ایشان را بنویسید.
 - ۱۰- چگونه با ایشان آشنا شدید.
 - ۱۱- چه کسی ایشان را به شما معرفی کرد؟
 - ۱۲- محل قرارهایشان کجا بود؟
 - ۱۳- کارهایی را که ایشان در رابطه با گروه وابسته به آن کرده ذکر نمائید.
 - ۱۴- آیا حاضرید در دستگیری ایشان کمک کنید؟
- محل امضاء
- و پس از چند دقیقه حکمی را که دادگاه انقلاب اسلامی سندج برای ما تعیین کرده بود خوانده شد و امضاء کردیم، احکام صادره بین ۲ تا ۱۵ سال بود.
- بقیه در صفحه ۱۱

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:

- ۱۳۲۴- اعتصاب کارگران با لاشگاه آبادان - شورای اضافه دستمزد
- ۱۳۹۹- طی روزهای اول تا سوم تیر نخستین کنگره حزب عدالت در بندر انزلی تشکیل و نام حزب رابطه حزب کمونیست تغییر داد.
- ۱۳۸۷- مجلس شورای ملی بدستور محمد علی شاه سه توب بسته شد - آغاز استبداد صغیر
- ۱۳۸۷- میرزا جهانگیر خان شیرازی (مدیر نشریه صور اسرافیل) در فرای کودتای خونین محمد علی شاه در باغشاه تهران بدار آویخته شد.
- ۱۳۳۲- اعتصاب ۱۰ روزه ۲۰ هزار تن از کارگران گوره پزخانههای تهران
- ۱۳۳۰- تشکیل دادگاه بین المللی لاهه در رابطه با مساله ملی شدن نفت در ایران
- ۱۳۸۷- قیام مردم تبریز علیه محمد علی شاه - رهبری سردار ملی ستارخان
- ۱۳۳۰- سیتنگه عظیم ضد امپریالیستی در پشیمانیه از ملی شدن نفت
- ۱۳۶۰- انفجار خشم خلق در دفتر حزب جمهوری اسلامی و معوم شدن حدود ۱۰۰ نفر از سران رژیم

- ۱۳۵۴- اعتصاب خونین کارگران نساجی قائم شهر
 - ۱۳۶۱- عملیات اشجاری فدایی و مجازات ساداتی خاشهر برد
 - ۱۳۰۲- شهادت شاعر مبارز، مجرای عشق بدست ممال رضا شاه
 - ۱۳۵۸- راهپیمایی مردم تهران در اعتراض به دستگیری مجاهد شهید محمد رضا سعادت
 - ۱۳۲۵- اعتصاب کارگران نفت جنوب و شهادت ۲۷ تن و زخمی شدن ۱۷۲ تن از کارگران
 - ۱۳۳۰- مسافرت هریمن مشاور ویژه ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا به ایران و برگزاری تظاهرات عظیم ضد امپریالیستی
 - ۱۳۶۱- شهادت مبارز برجسته و با سابقه - مژدن چهرازی از سازمان کومله
 - ۱۳۳۱- استعفای دکتر محمد محمدی از پست نخست وزیر و منظور اعتراض به عدم موافقت شاه با واگذاری تصدی وزارت جنگ به وی
- بقیه در صفحه ۷

برای دریافت نبرد خلق
و سایر انتشارات سازمان با
آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

فرانسه <

شهادت فدائی در تزارشگاه

برای فتح قله های
پرسدادت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به بربری؛
یامرگ یاپیروزی.

رفقا: محمد کاظم غبرایی، محمد علی خسروی اردبیلی
نسترن آل آقا، گلرخ شهرزاد مهدوی، نادر علی پور-
نغمه، مارتیک قازاریان، نزهت السادات روحی
انگوران، محمود عظیمی بلوریان، بدالله زارع کاریزی
دکتر بریمینا، محمد رضا (امیر) قصاب آزاد، مریم
شاهی، مسعود فرزانه، علی رضا الهاسی، حمید اشرف
یوسف قانع خشکه بیجاری، غلامرضا لایق مهربان
محمد رضا یثربی، فاطمه حسینی، محمد حسین حق
نواز، طاهره خرم، عسگر حسین ابرده، محمد مهدی
فوقانی، غلامعلی خراط پور، علی اکبر وزیری، مهدی
(بهزاد) مسیحا، حمید آریان، بهزاد امیری هوان
انسر السادات حسینی، نادره احمد هاشمی، سیمین
توکلی، علی خصوصی، کاظم سلاخی، احمد خیرم
آبادی، علی اکبر حق بیان، عبدالله سعیدی بدخستی
حجت محسنی کبیر، غلامرضا جلالی، خسرو ماشی
شفیع رمشانی، علی اکبر حیدریان، سینا

اعتصاب پزشکان ایران

بدنبال طرح لایحه مربوط به نظام پزشکی، در
مجلس ارتجاج و پس از بی نتیجه ماندن اعتراضات
پزشکی پزشکان ایران که خواستار استقلال شغلی خود
بودند، سرانجام هیئت مدیره نظام پزشکی بنمایند-
گی از طرف پزشکان ایران روز ۲۴ تیر امسال را برای
بقیه در صفحه ۱۰

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه
رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، با
منتظما بدست ما برسانید و با به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض
رسید و یا فتوکیکی آنها به یکی از آدرس های سازمان
ارسال دارید.

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2385
MME-TALAT R.T.
2617 G
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE